

همایش بین‌المللی بازخوانی  
اندیشه‌های امیرعلی شیرزویی  
در هرات برگزار شد

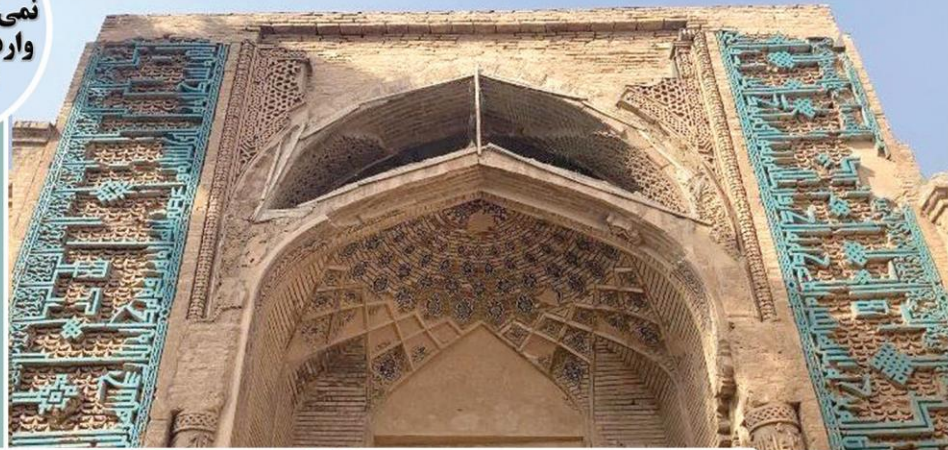


## آتش بس و سهم معنادار؛ خواست زنان از گفتگوهای صلح



فرهنگیان هرات:

نمی گذاریم کاشی های  
وارداتی روی بناهای  
تاریخی نصب  
شود



## گفتگوهای صلح؛

### خشونت و آشتی افکار عمومی در افغانستان

نشست‌های صلح میان افغان‌ها که بعد از امضا توافق میان طالبان و امریکا آغاز شد، دل‌گرمی‌های را در میان مردم به همراه داشت. در حقیقت مردم، آینده‌شان را بدون خشونت تصور می‌کردند. اما آنچه دیده می‌شود که بعد از ۹ ماه از آغاز گفتگوهای صلح، سرنوشت و نتیجه این گفتگوها مشخص نیست. نه تنها تصور آینده بدون جنگ از ذهن مردم محو نشده است، بلکه به دلیل افزایش خشونت‌ها در کشور دچار آشتی فکری نیز شده‌اند و سوالاتی را مطرح می‌کنند که بیانگر نبود اعتماد به پروسه صلح است. آنان می‌پرسند: **با آنکه ادامه گفتگوهای صلح جریان دارد، چرا آتش‌بس نمی‌شود و مسوول واقعی این حملات کیست؟**

دولت و طالبان هر کدام بر درستی و صداقت خود در عرصه نظری و عملکرد تأکید و بر منافع خود پافشاری دارند. بدون اینکه برای صلح از خودگذری داشته باشند. بر اساس نظریات جهانی صلح و مذاکره، طرف‌های گفتگو کننده، همزمان که چیزی را بدست می‌آورند، چیزی را از دست می‌دهند که متأسفانه این رویکرد در گفتگوهای صلح افغانستان دیده نمی‌شود. همین سوگیری منافع باعث شد که دو دور گفتگو در قطر نتیجه ندهد و پای نشست استانبول به میان آید. در مورد برگزاری نشست استانبول گمانه‌زنی‌های مبنی بر عدم کارا بودن این نشست نیز مطرح می‌شود. اما آنچه که بیشترین صدمه را به بدنه صلح و آشتی افکار عمومی وارد کرده است، شدت خشونت‌ها علیه غیر نظامیان در کشور و مشخص نبودن عاملان آن است.

طی چند حمله اخیر در کشور، طالبان از یک سو دست داشتن در این حملات را رد کرده‌اند و از سوی دیگر اعلام آتش‌بس نمی‌کنند. محمد نعیم وردک سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر در مصاحبه‌ای با خبرنگار طلوع که از وی این سوال پرسیده که چرا در فضایی آتش‌بس گفتگوها صورت نمی‌گیرد؟! گفت آتش‌بس نباشد نشست برای چیست؟ یعنی اینکه جنگ باید در جریان باشد تا دلیلی بر گفتگو داشته باشیم و مسئله‌ای برای حل. دولت افغانستان هم بلافاصله بعد از حمله‌های خشونت‌بار علیه مردم ملکی، طالبان را مسوول این حملات می‌داند. تناقض حرف‌های طالبان و واکنش آنی دولت و اتهام‌های عقده‌مندان‌ی دو طرف، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره صلح افغانستان خواهد داشت که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

اول اینکه: بعد از هر حمله علیه مردم ملکی، دو طرف گفتگو کننده همدیگر را متهم می‌کنند. این مهم را نمی‌توان نادیده گرفت که چنین جبهه‌گیری دو طرف گفتگو کننده به مذاکرات صلح صدمه وارد کرده و تقابل طرفین را افزایش می‌دهد.

دوم: این عملکرد متناقض دولت و طالبان مردم را دچار آشتی فکری کرده است و مردم نمی‌دانند که حق با کیست. این دو طرف گفتگو کننده صلح مردم را سپر قرار داده آنان را حمایت‌گر خود می‌دانند، در حالیکه مردم از عملکرد هیچ کدام راضی به نظر نمی‌رسند و این زمینه قدرت‌گیری گروه‌های دیگر را در کشور برابر می‌سازد.

سوم: عملکرد دولت و طالبان باعث شده است که طرف‌های دیگری که از طریق خشونت منافع‌شان تأمین است، استفاده کرده، بدون اینکه مشخص شوند این افراد که‌ها هستند. چون طالبان اعلام آتش‌بس نکرده‌اند و دولت هم چند دقیقه بعد از هر حمله، اعلام می‌کند که این حمله توسط طالبان صورت گرفته، باز هم این مردم هستند که در کمال سردرگمی تاوان می‌دهند.

بنابراین دولت و طالبان نباید بیش از این شعور مردم را به بازی بگیرند و مسوولیت این حملات را به دوش یکدیگر بیندازند. آن هم در صورتیکه به نشست سرنوشت ساز استانبول برای آمدن صلح به افغانستان نزدیک شده‌ایم.

بهتر است که هم طالبان و هم دولت افغانستان به جای حرف‌های عقده‌مندان‌ه علیه یکدیگر که پروسه صلح را در وضعیت پیچیده قرار می‌دهد، مردم را در جریان اطلاعات درست و موثق قرار دهند. طالبان اعلام آتش‌بس کنند و دولت افغانستان بعد از تحقیق و بررسی عاملان ترورها و خشونت علیه غیر نظامیان را معرفی کند. این کمک می‌کند تا دوباره مردم به پروسه صلح امیدوار شوند و طرف‌های گفتگو کننده با اعتماد بیشتری این روند را در استانبول ادامه دهند.

#### عناوین

- ۱) سرمقاله ..... ۱
- ۲) مثنوی معنوی: نحوی و کشتیبان ..... ۲ و ۳
- ۳) همایش بین‌المللی بازخوانی اندیشه ..... ۴
- ۴) کارگاه آموزشی: نقش برنامه‌های فرهنگی ..... ۵
- ۵) حضور رئیس شورای متخصصان در ..... ۶
- ۶) آتش‌بس و سهم معنادار: خواست زنان ..... ۷
- ۷) عوامل اقتصادی روی آوری زنان ..... ۸ و ۹
- ۸) کنش‌گران سیاسی هرات و شرایط ..... ۱۱
- ۹) روز جهانی آزادی مطبوعات: فعالان ..... ۱۲
- ۱۰) شورای متخصصان هرات برای ..... ۱۳
- ۱۱) کتاب صد یاقت هرات رونمایی شد ..... ۱۴
- ۱۲) فرهنگیان هرات: نمی‌گذاریم کاشی ..... ۱۵ و ۱۶
- ۱۳) هولاکراسی محرک‌ست برای رشد ..... ۱۷ و ۱۸
- ۱۴) پیامدهای جنگ جهانی دوم ..... ۱۹
- ۱۵) محدودیت ساختاری پیداکوژی ..... ۲۰
- ۱۶) امنیت شغلی بانوان خبرنگار حوزه ..... ۲۱
- ۱۷) تغییرات اقلیمی اثرات و پیامدهای ..... ۲۲ و ۲۳
- ۱۸) تغذیه در دوران حاملگی ..... ۲۴ و ۲۵
- ۱۹) گشایش نمایشگاه آثار دوره تیموریان ..... ۲۶
- ۲۰) نمایشگاه عکاسی با نام حضور معنادار ..... ۲۷
- ۲۱) ارتباطات بومی مفهوم به‌حاشیه‌رانده ..... ۲۸ و ۲۹
- ۲۲) گشایش نمایشگاه صنایع دستی بهار بازار ..... ۳۰
- ۲۳) ادامه مطلب تغییرات اقلیمی اثرات ..... ۳۱ و ۳۲

#### صاحب امتیاز: شورای متخصصان

مدیر مسئول: الحاج محمد رفیق شهر

هیئت تحریر: محمد ناصر رهبان،

سید معید الحق موحدی، عبدالرحیم امید،

داکتر عبدالقیوم قائم، انور شاه یوسفی و صلاح‌الدین جامی.

گزارشگر: فریبا اکبری

طراح جلد و صفحه آرایی: عبدالحق مرادی

تیراژ: - ۱۰۰۰ جلد

قیمت ۲۰ افغانی

نشانی: دفتر شورای متخصصان هرات، مقابل ریاست

مخابرات، تعمیر بهسود زاده منزل دوم

# مثنوی معنوی؛ تحلیل داستان نحوی و کشتیبان

عبداللطیف محمدی

آن یکی نحوی به کشتی در نشست  
رو به کشتیبان نهاد آن خود پرست  
گفت: هیچ از نحو خواندی؟ گفت: لا  
گفت: نیم عمر تو شد در فنا  
دلشکسته گشت کشتی بان ز تاب  
لیک آن دم کرد خامش از جواب

مولانا با طرح حکایت‌های توی در توی و تمثیل‌های رمزی، مطالب عمده و مهم عرفانی را با زبانی ساده، بیان می‌کند. «زیرا ذکر این‌گونه داستان‌های تمثیلی، جنبه لذت‌آفرینی و تأثیرگذاری دارد و شعر حکمی و تعلیمی را تقویت می‌کند. در نتیجه فهم معانی و معارفی را که اندکی پیچیده و دور از تجربه عموم است تا سطح ادراک عامه، ساده و قابل درک می‌کند. خلق شخصیت‌های متفاوت و متضاد این حکایت‌ها برگرفته از اسطوره‌ها، اقوال بزرگان، اشخاص تاریخی، تخیلی، دینی، اولیای الهی، بزرگان صوفیه، عاشقانه‌ها و... است و مهم‌ترین اختلاف مولوی با دیگران (به‌خصوص سنایی و عطار) «در شیوه استفاده از داستان و حکایت‌ها و گفت‌وگوهای طولانی، در میان شخصیت‌هاست تا از این طریق، اندیشه و آرای خود و دیگران را بیان کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۲۷۱).

خواننده با مطالعه این داستان‌ها و حکایت‌ها از سویی سرگرم، و از سوی دیگر خرسند می‌شود. این مثال‌ها و داستان‌ها حاوی جنبه‌های تعلیمی و اخلاقی است و پیام‌های فربه و جان‌داری برای خواننده منتقل می‌کند. به قول شارحین مثنوی، حتی حکایاتی که ظاهراً وقاحت بیانی دارند نیز بیان‌گر احوال و اخلاق همان عصر هستند. جنبه روشن‌گری و عشق‌پردازی مولانا در این داستان‌ها و کثرت و تنوع تمثیل‌ها نیز برای این است که ذهن مخاطب را به سوی مسایل حسی و حتی فراحسی که تا حال تجربه نکرده، به پرواز درآورد.

ماخذ این داستان، قصه‌ای است که در «لطایف» عبید زاکانی آمده است. بدین گونه: نحوی

ای در کشتی بود، ملاح را گفت: تو علم نحو خوانده‌ای. گفت نه، گفت: نیمی از عمرت را تباه کرده‌ای. روز دیگر تندبادی برآمد. کشتی غرق خواست کرد. ملاح او را گفت: تو علم شنا آموخته‌ای. گفت نه، گفت: تمام عمرت را تباه کرده‌ای. (قصص و تمثیلات مثنوی، ص ۲۸)

در این حکایت طنزآمیز، نحوی تمثیل آن دسته از دانش‌آموختگانی است که به دانش خود می‌بالند و دعاوی بیپوده می‌کنند و کشتیبان تمثیل اهل تزکیه و صفاست که خود بینی و غرور را از جان خود برکنده‌اند. استاد زرین‌کوب می‌نویسد: مولانا با نقل این لطیفه نشان می‌دهد که غرور و فضول مدعیان دانش موجب هلاکت جان آن‌هاست. آن کس که در دعوی یا واقع، علامه زمان است نیز تا وقتی از اوصاف بشری نمیرد و خویشتن را از آن چه سرمایه غرور اوست خالی نکند از طوفان ابتلا و گرداب امتحان روی رهایی ندارد... با این‌همه آن چه در مثنوی هدف طعن و طنز کشتیبان است در واقع خود علم نیست، غرور و خود بینی است که اهل دعوی را از تزکیه نَس ممانع می‌آید. (بحر در کوزه، ص ۳۲۹)

و مولانای بزرگ در این داستان، به بازگویی مکتب عشق و فنا می‌پردازد؛ البته نباید ناگفته گذاشت که از اقیانوس بیکران اندیشه مولانا مروری‌های فراوانی به دست می‌آید و هر کس نظر به برداشت، مشرب و شناختی که از مولانا دارد، تعبیری می‌کند.

نحوی کسی است که با دستور زبان عربی آشنایی دارد. ما در زبان عربی، دو علم «نحو» و «صرف» داریم و در علوم بلاغی و نحوی، عالم کسی است که می‌داند نقش هر یک از واژگان در جملات چیست و آن را مانند دستور زبان فارسی درس می‌دهد. در این داستان، مرد نحوی، نماد انسان‌های مغرور، زاهد و مدعی است نه نقد بر علم نحو و دانشمندان این علم؛ چون با علم نحو است که قدرت بر خواندن فقه و اصول و تفسیر و غیره پیدا می‌کنیم. در این سفر دریایی، مکالمه‌ای که بین مرد نحوی و کشتیبان روی می‌دهد، نشانه نگاه اهل ظاهر با اهل عرفان می‌باشد.

اطالع مطالبه مر صفتی صحتی

### ادامه مطالب ۰۰۰

نحوی با غرور، علم نحو خود را به رخ میزبان می‌کشاند، اما وقتی کشتی در هم می‌شکند، مرد کشتیبان، شنا را راه خلاصی و نجات می‌داند که نحوی از آن بی‌خبر است. کشتی را در این تمثیل می‌توانیم به وجود انسان تشبیه کنیم و دریا، عالم الهی که هر کس که شنا، تسلیم و محو را نمی‌داند، حق ورود به آن وادی را ندارد و گرنه در هم خواهد شکست.

**باد کشتی را به گردابی فکند  
گفت کشتیبان بدان نحوی بلند  
هیچ دانی آشنا کردن بگو  
گفت نی ای خوش جواب خوب رو  
گفت کل عمرت ای نحوی فناست  
زانک کشتی غرق این گرداب‌هاست**

از این بیت به بعد مولانا به دنبال نتیجه‌گیری از این داستان است:

**محو می‌باید نه نحو اینجا بدان  
گر تو محوی بی‌خطر در آب ران  
آب دریا مرده را بر سر نهد  
ور بود زنده ز دریا کی رهد  
چون بمردی تو ز اوصاف بشر  
بحر اسرار نهد بر فرق سر**

در میان اهل عرفان و شناخت انسان الهی مفهوم "بیخودی" نزدیک به مفهوم "مستی" و همچنین غرق شدن در محبوب است. گرچه مولانا پس از دیدن شمس چنان عاشق معارف و سیرت شمس شده بود که خود به عینه آموزش‌های شمس را در قلبش احساس می‌کرد و با سرودن داستان نحوی و کشتیبان حکایت شخص لغت‌شناس زحمت‌کشیده‌ای را می‌گوید که علم نافع شخص خودش داشت اما از علم اصلی که علم نجات یافتن و حیات بود بی‌بهره بود. و به همین علم ناچیزش مغرور شده بود طوری که با خودنمایی مقابل مرد کشتیبان درس نخوانده باعث شد ناخدا آزرده شود که چرا درس نخوانده است. از قضا تالطم دریا زیاد می‌شود و تنها کسانی می‌توانند بمانند که شنا کردن بلد باشند. شنا کردن مترادف علم نجات یافتن است و غرق شدن در دریا متناسب با غرق شدن در محبوب. در ادامه:

**ای که خلقان را تو خر می‌خوانده ای  
این زمان چون خر، برین یخ مانده ای  
گر تو علامه زمانی در جهان  
نک، فنا ای جهان بین و زمان  
مرد نحوی را از آن در دوختیم  
تا شما را نحو محو آموختیم**

ای کسی که مردم را خر و نادان می‌دانی، یعنی چنان دچار عجب و غرور بودی که همه مردم را نادان فرض می‌کردی، اینک تو خود، مانند خر روی یخ وامانده‌ای و نمی‌توانی حرکت کنی. مولانا می‌گوید یک «نحو» و یک «محو» داریم و وقتی مولانا محو را مقابل نحو

می‌گذارد محو یعنی این که فرد، اوصاف بشری و خود کاذبش را کنار گذاشته باشد. اگر بر آن غلبه کردی و از آن گذشتی؛ می‌توانی در این دریا پیش بروی. و حالا وقتی مرده شدی، ممکن است جسد تو بالای آب بیاید. ولی این نشان این است که تو از اوصاف بشری مرده‌ای، از تمام چیزهایی که تو را از خویشتن واقعی تو دور کرده، جدا شده‌ای و جزو دریا شده‌ای. در آن زمان است که دریا که نشانه خداوند و اسرار او است، با تو هر کاری می‌تواند انجام دهد. چون تو در آن فنا شده‌ای و واقف به حقایق و اسرار نهفته الهی هستی، و از خود اراده‌ای نداری.

چنانچه قبلاً اشاره کردیم در اندیشه و اشعار مولانا مفهوم از خود گذشتن و تعلقات خاطر خود را از امور غیر اولی کاستن، موجب به دست آوردن قدرت و یقین انسانی می‌شود چنانچه حضرت لسان الیقین می‌فرماید:

**میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست**

**تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز**

نحوی در مکتب شمس و مولانا، مظهر انحطاط است. در داستان دیگر شمس، انحطاط تعصب لفظ پرده‌ای، نحوی را تا کفاره سقوط او و یاران او در گودال نجاست پایین می‌برد: یک مرد نحوی در گودالی عمیق آکنده از نجاست فرو افتاده بود. مردی برای رهایی او از آن کثافت به وی می‌گوید: دست را بده (هات یدک). مرد نحوی به جای استقبال از ناجی خود بر وی خرده می‌گیرد که به جای آن‌که فتنه آخر را ذکر کند آن را خودسرانه حذف کرده است. از این رو دست یاری او را رد کرده و می‌گوید: تو از من نیستی. برو! مردی دیگر و مردانی دیگر هر یک به کمک نحوی می‌شناختند و نحوی آن قدر که تفاوت در نحو می‌دید مانند خود را در نجاست نمی‌دید و دست همه را پس می‌زد. سرانجام صبح روز بعد نحوی دیگری از راه می‌رسد و با لفظ صحیح به او می‌گوید که دستت را به من بده. نحوی اول می‌گوید: تو از مایی. دستم را به تو می‌دهم. لیکن چون خود او را قوت نبود، وقتی بکشید هر دو در نجاست افتادند! حکایت کشتیبان و مرد سوژه‌ای است تا مولانا مانند عرفای دیگر به غرور و خودبینی عالمان ظاهر بین بتازد، و از آن میان پای نحویان مغرور را به میان می‌کشد که ایشان به دانش مقدماتی نحو می‌بالند و می‌لافتند. در حالی که زبان تنها کلیدی است که ما را آماده می‌سازد تا با علوم و معارف آشنا شویم، و فی نفسه نمی‌تواند علم به معنی حقیقی کلمه باشد.

پی نوشت: محو در نزد صوفیان عبارت است از زایل کردن وجود بنده که سه درجه دارد: پایین‌ترین درجه آن، محو صفات ناپسند و کردار ناروا است. دوم، درجه میانه یعنی، محو مطلق صفات ستوده و نکوهیده و بالاترین درجه محو ذات است.

**منابع:**

مثنوی معنوی، تصحیح کریم زمانی

مثنوی معنوی، تصحیح گلپینارلی

بحر در کوزه

قصص و تمثیلات مثنوی

نقش تمثیل در داستان‌های مثنوی

معنوی، ماه نظری

# همایش بین‌المللی بازخوانی اندیشه‌های امیر علی شیرنوایی در هرات برگزار شد

گزارشگر: فریبا اکبری

همزمان با ۵۸۰مین سال تولد امیر علی شیرنوایی همایش بین‌المللی بازخوانی اندیشه‌های این شاعر و سیاستمدار دوران تیموریان، (چهارشنبه، ۱۸ حمل) آغاز شد و برای سه روز ادامه یافت.



کشورهای آسیا میانه تقاضا می‌کنیم که ما را برای ساخت موزیم دوران تیموریان و کتابخانه امیر علی شیرنوایی یاری کنند. سرپرست وزارت اطلاعات فرهنگ گفت: "همایش‌های از این دست برای معرفی شخصیت فرهنگی و پرستار کشور، در دیگر ولایت‌ها نیز برگزار خواهد شد. با این حال، سید عبدالوحید زاهد قتالی بیان کرد، ۵۸۰مین سال تولد امیر علی شیرنوایی فرصتی است که ما ارتباطات خود را با کشورهای دیگر گسترش دهیم.

والی هرات گفت که تلاش ما بر این است که اندیشه‌های امیر علی شیرنوایی گسترش و اندیشه‌های وی را زنده نگهداریم.

از سوی هم شماری از آگاهان فرهنگی در هرات می‌گویند که برگزاری این چنین برنامه‌ها برای زنده نگهداشتن اندیشه‌های امیر علی شیرنوایی و شخصیت مانند وی می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد.

گفته شده که در این همایش شش کتاب چاپ شده است که دو کتاب آن مربوط به آثار امیر علی شیرنوایی است

ولی شاه بهره از آگاهان فرهنگی در هرات ابراز داشت، نیاز است که شخصیت امیر علی شیرنوایی معرفی گردد تا نه تنها مردم، بلکه دولتمردان ما نیز از اندیشه‌های وی برای امور حکومت‌داری پیروی کنند. فعالیت امیر علی شیرنوایی در حوزه فرهنگی فعالیت‌های درخور توجهی انجام داده است و اگر در راستای چاپ آثار نوایی توجه بیشتر شود، مطمئناً تأثیری مثبت بر احیای ادبیات خواهد داشت.

امیر علی شیرنوایی، شاعر، متفکر و سیاستمدار دوره تیموریان هرات است که در سال ۸۴۴ هجری در هرات چشم به جهان گشود و به سال ۸۸۰ هجری چشم از جهان بست و در همین ولایت به خاک سپرده شد. از این شخصیت آثاری زیادی به زبان‌های ترکی، ازبکی و فارسی به جای مانده است.

این همایش، با حضور سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، شماری از اعضای کابینه، نماینده‌گان کشور ازبکستان و شماری از فرهنگیان هرات در تالار مولانا برگزار شد. محمد اشرف غنی رئیس جمهوری کشور در یک پیام ویدیویی گفته است که امیر علی شیرنوایی برای توسعه جامعه و فرهنگ منطقه نقش مهمی ایفا کرده است.

رئیس جمهوری کشور بیان داشت که تجلیل از امیر علی شیرنوایی، تجلیل از یک فصل مهم برای همکاری‌های منطقه‌ای است.

غنی افزود، کشورهای منطقه می‌توانند با همکاری همدیگر جایگاه و عظمت گذشته را احیا کنند و این همکاری آنها را به مسیر عاری از خشونت سوق خواهد داد.

از سوی هم، محمد طاهر زهیر، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ روز افتتاح این همایش در هرات سخنرانی کرد و گفت که دو پیشنهاد دارد؛ از





## کارگاه آموزشی

« نقش برنامه‌های فرهنگی

در ترویج دموکراسی »

کارگاه آموزشی دو روزه‌ای تحت نام «نقش برنامه‌های فرهنگی در ترویج دموکراسی» با توزیع تصدیق‌نامه برای بیش از ۳۰ تن از دانشجویان و علاقه‌مندان این موضوع از سوی شورای متخصصان هرات برگزار شد.

این کارگاه برای دو روز در مقر شورای متخصصان هرات دایر گردید. مسوولان برگزار کننده، هدف از برگزاری این کارگاه آموزشی را بلند بردن ظرفیت و آگاهی دانشجویان در مورد نقش برنامه‌های فرهنگی در ترویج دموکراسی دانسته و می‌گویند که در این کارگاه تغییرات اجتماعی، تغییرات فرهنگی، فرهنگ سیاسی، سیاست فرهنگی و توسعه سیاسی به گونه‌ای دقیق تدریس شد.

سید محمد فقیری استاد دانشگاه که مسوولیت تدریس این کارگاه آموزشی را به عهده داشت گفت قبل از اینکه دموکراسی در یک کشور تطبیق شود، باید بسترهای فرهنگی آن ساخته شود. که متأسفانه در افغانستان روی این بسترها کار صورت نگرفته است و این نیاز به آموزش درست دارد. آقای فقیری ابراز می‌دارد که دولت، نهادهای جامعه مدنی و دانشگاه‌ها در برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت روی این موضوع فعالیت و اطلاع‌رسانی کنند.

در همین حال شماری از دانشجویان می‌گویند، اشتراک در این کارگاه‌ها دیدشان را به موضوعات مختلف باز کرده و باعث می‌شود که بیشتر مطالعه کنند.

شکرپه رسولی یکی از اشتراک کننده‌گان این برنامه بیان می‌دارد، « برگزاری این کارگاه می‌تواند که ما را با موضوعات مختلف آشنا و ما را ترغیب کند که در مورد این موضوعات بیشتر مطالعه کنیم.» شکرپه اضافه کرد، نهادهای اجتماعی باید بکوشند که به گونه‌ای بی‌طرف در مورد موضوعات مختلف برای مردم آموزش دهند.

رحیم قربانی یکی دیگر از اشتراک کننده‌های این برنامه گفت که این کارگاه‌ها علاوه بر آموختن موضوعات گوناگون ارتباطات ما نیز قوی می‌شود.

قابل ذکر است که شورای متخصصان هرات همواره کارگاه‌های آموزشی و علمی را با موضوعات مختلف برگزار می‌نماید.

# حضور رییس شورای متخصصان هرات در خیمه تحصن متضررین آتش سوزی اسلام قلعه



رییس شورای متخصصان هرات دوشنبه، ۱۶ حمل در جمع معترضان که در آتش سوزی گمرک اسلام قلعه خساره مند شدند، حضور یافت. این معترضان راه دو شاهراه هرات اسلام قلعه و هرات تورغندی را بروی موترهای باری بسته و خیمه تحصن برپا کرده بودند.

محمد رفیق شهیر رییس شورای متخصصان هرات گفت: "این نهاد تلاش خواهد کرد که تا خواستهای متضررین را به گوش مسوولان حکومتی برساند و مال باخته‌گان جبران خساره شوند و همزمان دو شاهراه بسته شده روی موترهای باری باز شود."

با این حال شماری از معترضان بیان کردند تا زمانی که به حق خود نرسند، این شاهراه‌ها را به روی موترهای باری باز نخواهند کرد.

بصیر آرین نماینده این معترضان بیان می‌کند این سومین روز است که مال باخته‌گان آتش سوزی گمرک اسلام قلعه در دو شاهراه خیمه تحصن برپا

حادثه اسلام قلعه سوخته وی بیان می‌کند، "با سوختن موترهایم دیگر هیچ چیزی برایم باقی نمانده است و تا دولت جبران خسارت نکند ما همچنان به تحصن ادامه می‌دهیم." جلیل احمد چهار موترش در آتش سوزی گمرک اسلام قلعه سوخت وی بیان می‌کند که فساد موجود در گمرک باعث آتش سوزی شده است و حالا هم همین فساد است که باعث شده که برای مردم خساره پرداخت نشود.

عثمان یکی دیگر از متضررین است، وی بیان می‌دارد که از وی دو موتر طعمه آتش سوزی اسلام قلعه شده است.

عثمان اضافه کرد: "۵۰ نفر خانواده هستیم و تمام مصارف خود را به وسیله همین موترها پیدا می‌کردیم و حالا که این موترها سوخته است هیچ عاید دیگری نداریم."

آتش سوزی که در ۲۵ دلو در گمرک اسلام قلعه رخ داد صدها موتر باری سوختند و میلیون‌ها دالر به مردم خساره وارد کرد.

کرده‌اند، اما متأسفانه حکومت مرکزی پاسخ درخور توجهی به این اعتراض‌کننده‌گان نداده است. وی می‌گوید: "اگرچه پیش از آمدن هیأت ریاست جمهوری به هرات در جلسه کابینه تخمین زده شد که یک هزار موتر به ارزش ۳۵ میلیون دالر سوخته است، اما حالا بعد از بررسی هیأت ریاست جمهوری معلوم شد که این آمار بیشتر است و براساس این بررسی‌ها ۱۳۰۰ موتر سوخته و حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون دالر مردم خسارمند شدند و قسمت اعظم خساره نیز به موترداران وارد شده است."

آرین افزود، در این مورد بارها دادخواهی شده و ۴۰ روز پیش هیأت ویژه ریاست جمهوری این حادثه را بررسی کرده اما موترداران تا اکنون به حق خود نرسیده‌اند و از سوی حکومت پاسخ قناعت‌بخشی نیز برای مال باخته‌گان داده نشده است.

تا به حال هیچ توجه معناداری از سوی حکومت برای این مردم نشده است. بشیراحمد از متضررانی است که دو موترش در





# آتش بس و سهم معنادار؛ خواست زنان از گفتگوهای صلح

کدازشکر: فریبا اکبری



زنان پر رنگ باشد از سوی هم، غلام فاروق راسب از فعالان مدنی در هرات می‌گوید: زمانیکه موافقت‌نامه صلح میان آمریکا و طالبان امضاء شد خوشبینی‌های را برای مردم افغانستان به دنبال داشت. اما زمانی که مردم پی بردند که این گفتگوها از خشونت‌های در کشور نکاسته است به این پروسه بی‌اعتماد شدند. آقای راسب افزود، بلند رفتن تلفات غیر نظامیان مردم را نگران ساخته است و مردم نباید در مقابل بی‌عدالتی موجود در جامعه بی‌تفاوت باشند. قرار بود که به تاریخ ۲۴ اپریل سال جاری نشست‌های صلح بین افغان‌ها برگزار شود، اما طالبان گفتند تا زمانیکه نیروهای خارجی در کشور حضور داشته باشند، آنان در هیچ نشستی شرکت نخواهند کرد.

می‌کنند دیگر بهانه‌ای برای جریان جنگ در کشور وجود ندارد و این فرصتی است که افغان‌ها با همدلی به سوی صلح حرکت کنند. این فعال مدنی تأکید کرد که نباید در گفتگوهای صلح دستاورهای زنان معامله شود. حبیبه احمدی که در حال حاضر دانشجوی است بیان می‌دارد، مردم افغانستان دیگر تحمل پذیرش آسیب‌های جنگ را ندارند. جنگ زندگی همه افغان‌ها به ویژه زنان را متأثر ساخته است. وی افزود: "ما زنان در شرایط فعلی که بحث گفتگوهای بین افغان‌ها و نشست ترکیه برای صلح افغانستان داغ است، خواستار فوری آتش‌بس در کشور هستیم". عاطف غفوری از فعالان رسانه‌ای در هرات ابراز می‌دارد، باید در مورد نشست‌های برای مردم افغانستان معلومات واضح داده شود و در گفتگوهای صلح باید سهم زنان برای حمایت از دستاورهای

شماری از زنان هرات طی نشست مطبوعاتی نگرانی‌های‌شان از کند پیش رفتن گفتگوهای صلح ابراز داشتند و از طرف‌های درگیر جنگ خواستند که در ماه رمضان اعلام آتش بس کنند. این زنان طی یک قطعنامه نگرانی و خواسته‌های‌شان از پروسه صلح مطرح کرده و خواهان سهم معنادار زنان در گفتگوهای صلح شدند. فرشته یعقوبی از فعالان جامعه مدنی در هرات با خوانش قطعنامه مشترک که با مشوره زنان ۳۴ ولایت کشور ترتیب گردیده، بیان داشت که مردم افغانستان به ویژه زنان از واضح نبودن گفتگوهای صلح نگران هستند. کند پیش رفتن گفتگوهای صلح و بلند رفتن گراف خشونت‌ها در کشور مردم را از آمدن صلح ناامید ساخته است. وی افزود، حالا که نیروهای خارجی کشور را ترک





# عوامل اقتصادی روکآوری زنان به تکدی‌گری در هرات

پژوهشگران:  
پوهنځیار احمد حامد وحیدی،  
محمد رحیمی، مرتضی مهدوی  
و زینب سرشار

## مقدمه

شاید بتوان گفت که معضلات و انحرافات اجتماعی سابقه به قدمت جوامع انسانی دارند. در هر جامعه و در هر عصر افرادی وجود داشتند که در جهت مغایر با ارزش‌ها قوانین مدون یا نانوشته جامعه خود قدم برداشتند و مرتکب رفتارهای سوء شدند. تحلیل، ریشه‌یابی و رفع این گونه معضلات همواره موضوع بحث و تبادل نظر متخصصین علوم اجتماعی بوده است و هم‌چنان نیز مقوله باز به شمار می‌رود. تکدی‌گری در ظاهر شیوع گسترده‌تر نسبت به سایر آسیب‌های اجتماعی دارد و پدیده‌ای است که غالباً هر شهروند همه‌روزه آن را در سطح شهر مشاهده می‌کند. یکی از آسیب‌های اجتماعی و مسائل مورد توجه هر جامعه، پدیده تکدی‌گری است که با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی هر جامعه در ارتباط است. این پدیده در شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ از معضلات اجتماعی گریبان گیر بوده که با شیوه‌های گوناگون و با استفاده از احساسات انسانی، سعی در کسب منافع شخصی دارد. بسیاری از افراد به دلیل عدم توانایی کافی برای انجام کار و یا نداشتن جایگاه اجتماعی خاص مجبوراند به مشاغل کاذب و یا کارهای که البته ضد ارزش نیز محسوب می‌شود، مانند تکدی‌گری روی آورند. تکدی‌گری یکی از کارهای بسیار رایج در جامعه افغانستان به خصوص در شهر هرات، همین‌طور در جوامع دیگر به طور آشکار وجود دارد. در واقع تکدی‌گری یکی از مشاغل است که بیشتر در بعضی از اقشار پایین سطح جامعه وجود دارد، که

افراد به دلیل نداشتن تحصیلات، بزرگ سالی و یا عدم توانایی برای به عهده‌گیری شغلی مناسب به آن می‌پردازند. در واقع زمانی که فشارهای اجتماعی و فشارهای زندگی آنقدر زیاد باشند که افراد قادر به برآوردن نیازهای اساسی و اولیه زندگی خود (خوراک، پوشاک و مسکن) نباشند، مجبور به انجام چنین کارهای (تکدی‌گری) می‌شوند، که در نهایت با ذلت و خواری و نمایش اعضای از کار افتاده، معلول، زخمی و... در گوشه و کنار شهرها و حتی روستاهای کشور پدیدار می‌شوند. در واقع متکدیان با گدایی‌کردن نه تنها به کار تولیدی نمی‌پردازند و یا خدمتی ارائه نمی‌دهند، بلکه علاوه بر مصرف‌گرایی در بسیار از موارد در مسیرهای انحرافی غیر قانونی حاوی دهها پیامد منفی اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی برای کشور فعالیت می‌کنند. محققین ریشه این پدیده را مشمول پیری و از کار افتادگی، مسائل خانوادگی، اعتیاد و مهاجرت دانستند. در این مقاله به مهمترین عوامل اقتصادی که متکدیان هرات را وادار می‌کند تا دست به تکدی‌گری بزنند می‌پردازیم.

## تکدی‌گری چیست؟

واژه‌های مرتبط «تکدی» متعدد و نشان دهنده پیچیدگی مفهوم این واژه است. در لغت نامه دهخدا «تکدی» چنین تعریف شده است: (عمل گدا، کار گدا، بی‌نوازی، تنگدستی، فقر، درویشی، شکست، بی‌چیزی و ستوال) (دهخدا ۱۳۶۴: ۲۱۱). تکدی را می‌توان با عنوان «دست دراز کردن» برای کسب درآمد و احتمالاً (سؤال به کف) نیز معنا کرد. تکدی فراگرد است که به موجب آن فرد متکدی از دسترنج دیگران بهره‌مند می‌شود و

زندگی می‌گذرانند. بر این اساس هریک از افراد جامعه را که نه حرفه‌ای (در مفهوم اقتصادی و رسمی آن) در اختیار دارند و نه در تولید اجتماعی سهمی دارند بلکه همواره با شیوه‌ها و شگردهای مختلف، طفیلی، جامعه‌اند، متکدی تلقی می‌شوند. بطور کلی می‌توان گفت که تکدی عبارت است از درخواست کمک بدون خدمات متقابل بصورت پول یا کالا که هیچ وظیفه قانونی در برآوردن این درخواست ندارند و بر این اساس متکدی کسی است که دست به چنین عملی می‌زند.

## اهداف تحقیق

### هدف اصلی تحقیق

مطالعه مهمترین عوامل اقتصادی در روی آوری زنان متکدی به تکدی‌گری در شهر هرات در سال ۱۳۹۹ است.

### اهداف فرعی

۱. مطالعه عوامل اقتصادی به وجود آورنده تکدی‌گری.
۲. بررسی دلایل که افراد دست به تکدی‌گری می‌زنند.
۳. طرح راهکارهای بدیل برای پدیده تکدی‌گری.

### پرسش‌های تحقیق

مهم‌ترین عوامل اقتصادی در روی آوری زنان متکدی به تکدی‌گری در شهر هرات در سال ۱۳۹۹ کدام‌ها اند؟

### پرسش‌های فرعی

۱. عوامل اقتصادی به وجود آورنده تکدی‌گری چیست؟
۲. دلایل این که افراد دست به تکدی‌گری می‌زنند چیست؟
۳. چگونه می‌توان طرح مناسب برای کاهش پدیده تکدی‌گری در شهر هرات ارائه کرد؟



## نو‌عیت و رویکرد تحقیق

تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و نوع اکتشافی میدانی است که با توجه به عنوان تحقیق مهم‌ترین عوامل اقتصادی در روی آوری زنان به تکدی‌گری در شهر هرات است و اطلاعات از متکدیان با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته که با متکدیان صورت گرفته جمع آوری شده است، این تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی در این پژوهش به دلیل این است که پژوهش کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیری و روش‌شناسی پدیدار شناختی است و بر درک معنای رویدادها توسط افراد تحت مطالعه استوارند.

## یافته‌های تحقیق

گدایی یک زائده اجتماعی است که در پیدایش آن چندین عامل دخالت دارند: مانند فقدان اشتغال و کار، فقر مادی، پیری و از کار افتادگی، معلولیت و بیماری، مهاجرت از روستا به شهرها، ناپایداری‌های اقتصادی از قبیل کمی درآمد در بعضی از مشاغل می‌باشد. آنچه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل اقتصادی در روی آوری زنان به تکدی‌گری در شهر هرات قرار ذیل اند:

## بیکاری

وضعیت بیکاری تکدی‌گران زن در مناطق مطالعه شده نظریه بیکاری که دارند می‌بایست به عنوان گروه آسیب پذیر جامعه مورد توجه جدی قرار گیرند نمونه‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تکدی‌گران نظریه بیکاری که دارند دست به تکدی‌گری می‌زنند "زولشت ۳۹ ساله که دارای ۵ طفل است و شوهرش نیز وفات کرده در پاسخ به این پرسش که اگر کار مناسب‌تر برای شما فراهم شود دست به تکدی‌گری نمی‌زنید؟ چنین پاسخ داده است (من کدام کار ندارم و برای من زمینه کار مساعد نیست، اطفال من گرسنه هستن و برای بدست آوردن نفقه خود و اطفال خود من مجبور هستم که گدایی کنم چاره دیگر جز گدایی کردن برای من نمائند، اگر برایم کار پیدا بشه که معاش آن ثابت باشه من دیگر گدایی نمی‌کنم و حالا هم از روی مجبوری که دارم گدایی می‌کنم"

و هم چنین وضعیت بیکاری تکدی‌گران نیز متفاوت است، و این تفاوت از این جهت است که تعداد از متکدیان کار بدست می‌آورند اما کارشان پایدار نیست منظور از ناپایداری این است کار که بدست می‌آورند اما دائمی نیست و برای یک مدت کوتاه که نمی‌توانند با آن مصارف زندگی خود را بدست آورند بنابراین این می‌بایست به عنوان گروه آسیب‌پذیر جامعه مورد توجه جدی قرار گیرد نمونه دیگری این مطالعه که اعضای فامیل خود را سه نفر معرفی نمود در پرسش فوق چنین پاسخ داده است. "من بیکار هستم و کدام کار دیگر هم انجام داده نمی‌توانم اگر برای من کار مساعد شود و بتوانم با آن مصارف خود و خانواده خود را بدست آورم دیگر دست به گدایی کردن نمی‌زنم حالا هم به علت این که کار بدست آورده نمی‌توانم و یا هم اگر کار پیدا می‌شود در خانه‌های همسایه‌هایمان مزد کم دارد و کار ثابت نیست که بتوانم مصارف خانواده خود را بدست آورم بنابراین مجبور به گدایی کردن شدم. اگر کسی برای من کار دهد که بتوانم بشکل ثابت پول بدست آورم هیچوقت دست به گدایی کردن نمی‌زنم" (عایشه، ۳۰ ساله).

## درآمد کم

وضعیت در آمد تکدی‌گرایان زن در مناطق مطالعه شده

نظر به درآمدشان و اعضای فامیل‌شان متفاوت است اما پایدار نیست که این ناپایداری درآمد نان آور فامیل زنان را به عنوان گروه آسیب پذیر جامعه قرار می‌دهد که می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرند. نمونه این تحقیق نشان می‌دهد که زنان متکدی بنا بر درآمد کم که اعضای فامیل‌شان دارند نیز دست به تکدی‌گری می‌زنند. فاطمه خانمی است که دارای یک فرزند و شوهرش نیز در داخل شهر گاری کشی می‌کند در پاسخ به این پرسش که چرا دست به تکدی‌گری می‌زنید؟ چنین پاسخ داده است:

"مجبور هستم و چاره دیگر ندارم شوهرم گاری کشی می‌کند و درآمد آن کفاف زندگی‌مان را نمی‌کند، کرایه خانه داریم، پول آب و برق داریم تنها درآمد شوهرم کافی نیست و زندگی‌مان با این مبلغ کم که شوهرم روزانه ۱۰۰ افغانی یا ۱۵۰ افغانی کار می‌کند نمی‌توانیم زندگی خود را پیش ببریم، زندگی برای‌مان خیلی سخت شده و من مجبور هستم چون درآمد شوهرم هم خیلی کم است و من هم کار دیگر ندارم و چاره دیگر جز گدایی ندارم



"(فاطمه، ۳۰ ساله).

نمونه دیگر این تحقیق "ثریا خانم ۲۸ ساله است ۴ فرزند دارد در پاسخ به پرسش فوق اینطور پاسخ داده است (چیکار کنم دو دختر دارم و دو پسر که یک پسر من نیز کارگر می‌باشد اما برایش کار مناسب پیدا نشده و فعلا کاری کشی می‌کند به شهر و هفته یک بار بخانه می‌آید و شبها بخانه کاکای خود که به شهر است می‌ماند، خانه‌مان به پشتون زرغون است و من هم صبح می‌آیم به شهر و گدایی می‌کنم و نماز دیگر دوباره به خانه برمی‌گردم، نان آور خانه‌مان من و پسر هستم در آمد کم داریم" مثل ثریا و فاطمه تعداد دیگر نیز از متکدیان با همینچنین شرایط روبرو بودن و من این دو مصاحبه را به عنوان نمونه در اینجا نوشتم که از صحبت‌های‌شان مشخص است برعلاوه این که کار متناسب نان آور فامیل آن‌ها ندارند و یا اگر هم کار به دست می‌آورند با مزد کم آن کار را انجام می‌دهند که این مزد نمی‌تواند کفاف مخارج زندگی‌شان را کند بنابراین مجبور می‌شوند دست به تکدی‌گری زنند.

## مهارت‌های شغلی

مهارت‌های شغلی وضعیت است که زنان متکدی در مناطق مطالعه شده دارای مهارت‌های شغلی متفاوت هستند مهارت‌های شغلی مانند "گلدوزی، بافندگی،

خیاطی، داشتند" اما کار متناسب به مهارت‌های شغلی که داشتند بدست آورده نتوانستند و یا هم این که مهارت‌های شغلی که داشتند اما امکانات در دسترس‌شان نداشتند که بتوانند خودشان برای خود کار ایجاد کنند، بنابراین این می‌بایست به این وضعیت "نداشتن کار متناسب با مهارت‌های شغلی" که آنها را به عنوان گروه آسیب پذیر قرار داده است می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. نمونه مطالعه شده در مورد مهارت‌های شغلی که اعضای فامیل خود را ۸ نفر معرفی نموده در پاسخ به این پرسش که چه مهارت‌های شغلی دارید؟ اینگونه پاسخ داده است:

"من گلدوزی را یاد دارم و می‌توانم کار کنم اما امکانات ندارم و دیگر این که کار که من یاد دارم بازار ندارد که من از آن برای خود و خانواده خود نان بدست آورم" (سارا) ۴۰ ساله شهر هرات).

نمونه دیگر از مصاحبه‌های انجام شده کبرا ۳۰ ساله که روزها بخاطر بدست آوردن لقمه نان در جاده‌های شهر دست به تکدی‌گری می‌زند وی در پاسخ به پرسش فوق چنین پاسخ داده است "من می‌توانم هر قسم لباس و شال ببافم اما پول ندارم که من نخ و تار بخرم و لباس جور کنم یا هم شال ببافم ببرم به بازار بفروشم، و دیگر این که من حتی اگر امکانات آن به دسترس من قرار گیرد در بازار کسی از ما خرید نمی‌کند و یا هم اگر خرید کند به قیمت ارزان از ما بر می‌دارند و این مصارف خانه‌مان را نمی‌شود."

در پاسخ به پرسش فوق متکدیان دیگر نیز پاسخ‌های شبیه بهم دادند که مهارت‌های شغلی دارند اما امکانات لازم را در اختیار ندارند و زمینه کار هم با توجه به مهارت‌های شغلی که دارند برای آنها مساعد نیست که بتوانند با استفاده از مهارت‌های‌شان برای خودکار ایجاد کنند و مصارف زندگی خود را بدست آورند بنابراین از روی مجبوری که دارند بخاطر بقای خود و خانواده دست به تکدی‌گری می‌زنند.

## مهاجرت

تکدی‌گران زن در مناطق مطالعه شده نظر به وضعیت بیجانشدگی‌شان متفاوت بوده است به این معنا که دو عامل که باعث مهاجرت آنها شده است و آنها را آسیب پذیر ساخته است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرند نمونه‌های مطالعه شده در این تحقیق نشان می‌دهد، افرادی که از روستاها و ولسوالی‌های که در اطراف شهر قرار دارند و همینطور از شهرهای کوچک دیگر بنا بر دلایل نامشی در آنجا خود را در خطر احساس می‌کردند مناطق‌شان را ترک کرده و به سوی شهرهای بزرگتر مانند هرات نقل مکان کردند و در اینجا هم کار مناسب بدست نیابورند بنابراین این بخاطر پیش برد زندگی خود مجبور شدند که دست به تکدی‌گری زنند.

سیما خانم ۶۰ ساله که همراه با اعضای فامیل خود مدت دو سال می‌شود که از ولایت بادغیس به ولایت هرات مهاجر شده و در اینجا دست به تکدی‌گری می‌زند وی می‌گوید که "در منطقه مان جنگ است و یک پسر من نیز در آنجا کشته شده به همین خاطر مجبور شدیم بادغیس را ترک کنیم و به هرات آمدیم سه دختر دارم و شوهر من هم گاری دارد به تهایی نمی‌تواند مصارف خانه مان را پینا کند حالا پیش مردم از روی مجبوری دست دراز می‌کنم"



نمونه‌های مطالعه شده در این تحقیق نشان می‌دهد خشکسالی عامل دیگری است که باعث مهاجرت آنها به شهر شده است و آنها را آسیب پذیر ساخته است در شهر هرات هم پرداخت کرایه خانه، مصارف فامیل نیز بر این آسیب پذیرشان افزوده که آنها را مجبور به تکدی‌گری نموده است بنابراین این می‌تواند گفت خشکسالی و نداشتن درآمد مناسب از مناطق روستای‌شان باعث شد که به هدف کار به شهر هرات نقل مکان نمایند تا این جا کار مناسب بخاطر امرار معیشت خود بدست آورند اما در اینجا هم کار بدست نیامورد و شرایط زندگی برای‌شان سخت شده بنابراین این آنها دست به تکدی‌گری می‌زنند.

بی‌بی گل باشنده اصلی ولایت غور است که به هرات مهاجر شده و می‌گوید ( ما در غور مصروف مالدار بودیم و از طریق مالدار و دهقانی زندگی خود را می‌چرخانیدیم اما بخاطر این‌که منطقه مان ناامن شد و از طرف دیگر خشکسالی‌ها شد و زمین‌های‌مان نیز حاصل نمی‌داد مجبور شدیم که ولایت غور را ترک کنیم به ولایت هرات آمدیم به امید این‌که اینجا کار مناسب‌تر بدست آوریم اما نتوانستیم و حالا بخاطر لقمه نان گدایی می‌کنم

عامل مهاجرت خود به عنوان یکی از عوامل مهم روی آوردن به تکدی‌گری است که افراد از سایر ولایت‌ها و ولسوالی‌ها به دلایل ناامنی و یا خشکسالی که در مناطق‌شان وجود داشته و به هرات آمدند اما در این جا هم نان آور فامیل‌شان کار مناسب بدست آورده نتوانست و از خودشان سرپناه برای زندگی کردن هم ندارند، پرداخت کرایه خانه، مصارف خانه، و بیکار بودن‌شان باعث شده که دست به تکدی‌گری زنند.

#### وضعیت صحیح

وضعیت صحیح تکدی‌گران زن در مناطق مطالعه شده نظر به درآمدشان و وضعیت خانواده متفاوت اما ناپایدار بوده است. ناپایداری وضع صحیح تکدی‌گران و وضعیت صحیح اعضای خانواده‌شان به عنوان گروه آسیب پذیر موضوعی است که می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. نمونه‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تکدی‌گران نظر به مریضی اعضاء خانواده نیز دست به تکدی‌گری زده‌اند. عزیزه ۴۳ ساله که دارای ۵ طفل خورد سال است چنین می‌گوید " شوهرم مریض است، مشکل کلیه دارد و در خانه بستر است و نمی‌تواند کار کند، اطفال من هم خورد سال هستند و نمی‌توانند کار کنند، کرایه خانه، مصارف خانه، و مصرف تداوی شوهرم به عهده من است و من مجبور هستم که بخاطر تداوی شوهرم و مصارف خانه گدایی کنم. نمونه دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که تکدی‌گران زن بر اثر بیماری و معلولیت‌های جسمانی که دارند و کار انجام داده نمی‌توانند نیز دست به تکدی‌گری می‌زنند " رقیه که دارای ۳ طفل است چنین گفت: من در حادثه ترافیکی یک پایم را از دست دادم و شوهرم فوت کرده قبلاً پولیس بود حالا هم گدایی می‌کنم.

در مصاحبه‌های صورت گرفته با متکدیان مشخص شد که تعداد زیاد از افراد که دست به تکدی‌گری می‌زنند خود و یا هم تعداد از اعضای فامیل‌شان با یک نوع از بیماری دچار هستند، بیماری‌های مانند از کار افتادگی کلیه، معلولیت‌های جسمانی... که برای یکی از اعضایی خانواده که نان آور فامیل هم بودند و حالا توانایی انجام کار ندارند که برای دیگر اعضای فامیل نان درآوردن بنابراین این اعضای دیگر از

خانواده برای بقای زندگی خود و تداوی افراد که در داخل خانواده‌شان به مریضی مبتلا هستند دست به تکدی‌گری می‌زنند تکدی‌گرایان به این باور بودند که وقتی به وضعیت بد صحتی یا بیماری که توان پرداخت هزینه درمان آن را ندارند و هیچ کمک هم برای درمان بیماری خود و خانواده خود دریافت نکردند مجبور به تکدی‌گری شدند.

#### نداشتن سرپرست خانواده

وضعیت نداشتن سرپرست خانواده در متکدیان زن در مناطق مطالعه شده نشان می‌دهد که زنان متکدی بنا بر این‌که سر پرست خانواده خود را از دست دادند و نان آوری دیگر برای فامیل خود ندارند آسیب پذیر شده و دست به تکدی‌گری می‌زنند که نیاز است که این خانم‌ها مورد توجه جدی قرار گیرند. اکثر تکدی‌گرایان ادعا داشتند که سرپرست خانواده خود را در جنگ از دست دادند و یا هم به دلیل بیماری و یا هم به دلیل بزرگ سالی که سر پرست خانواده‌شان دارد و نمی‌تواند کار کند و مصارف خانواده خود را پیدا کند بنا بر این مجبور به تکدی‌گری شدند.



سبزه گل ۵۰ ساله اعضای فامیل خود را ۸ نفر معرفی کرده دلیل تکدی‌گری خود را چنین بیان کرد " شوهرم وفات کرده پسر من هم کشته شده خانم پسر من با اطفال خود همراه من زندگی می‌کنند نان آور فامیل ما دوفتر هستم، خانم پسر در خانه‌های همسایه‌ها لباسشویی می‌کند و خیاطی هم می‌کند و من هم از طریق گدایی کردن از مردم مصارف خود و نواسه‌های خود را پیدا می‌کنم " سیمین ۶۰ ساله ( شوهرم کشته شده و من هیچ کسی دیگر ندارم و در خانه کرایه زندگی می‌کنم مدت ۱۰ سال می‌شود که کار من همین گدایی کردن شده).

#### نتیجه گیری

تکدی‌گری در میان رفتارهای سوئ اجتماعی از جمله مواردی است که حداقل در ظاهر شیوع گسترده‌تر نسبت به سایر آسیب‌های اجتماعی دارد و پدیده‌ای است که غالباً هر شهروندی همه روزه آنرا در سطح شهر مشاهده می‌کند. یکی از آسیب‌های اجتماعی و مسائل مورد توجه هر جامعه پدیده تکدی‌گری است، که با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی هر جامعه در ارتباط است. در تحقیق حاضر مهمترین عوامل اقتصادی روی آوری زنان به تکدی‌گری شامل بیکاری، درآمد کم، مهارت‌های شغلی، مهاجرت، وضعیت بد صحتی، نداشتن سرپرست خانواده، از جمله عوامل مهم روی آوری زنان به تکدی‌گری در شهر هرات است.

#### راهکارها

برای بدست آوردن یک راه حل برای کاهش پدیده تکدی‌گری در شهر هرات که هدف اصلی این پژوهش بوده است. بعد از مصاحبه با افراد متکدی و شناخت عوامل که آنها را وادار به تکدی‌گری نموده است می‌توان راهکارهای ذیل را ارائه کرد.

#### راهکارها

۱ در مرحله اول شهرداری با همکاری سایر ارگان‌های ذیربط به جمع‌آوری متکدیان بپردازد و اجازه گدایی کردن به آنها را ندهد.  
۲ بعد از جمع‌آوری متکدیان باید مکان موقت برای رسیدگی به آنها در نظر گرفت که بهتر است در این مرحله به وضعیت بهداشت و سلامتی آنها با کمک وزارت صحت عامه رسیدگی شود، ممکن است برخی متکدیان حامل بیماری‌های خطرناک باشند که در این مرحله شناسایی و تحت درمان قرار گیرند.

۳ در گام بعدی بهتر است متکدیان را بر اساس مهارت‌های شغلی و شیوه زندگی آنها و توانایی‌های‌شان طبقه بندی نمود تا بتوان با توجه به مهارت‌های‌شان با آنها کمک کرد. افراد که دارای مهارت‌های شغلی هستند حمایت مالی صورت گیرد و به بازار کار معرفی شوند.

۴ متکدیان که مهارت‌های شغلی ندارند ایجاد صنف‌های آموزشی مهارت‌های شغلی برای متکدیان، و بعد از فراگرفتن مهارت‌های شغلی معرفی نمودن‌شان به بازار کار.  
۵ پرداخت کمک‌های مالی برای افراد بیجان شده و باز گرداندن‌شان به مناطق‌شان، در صورت عدم امکان باز گرداندن به مناطق‌شان، ایجاد سرپناه زندگی برای خانواده‌های متکدی که سر پناه ندارند و کمک‌های مالی برای خانواده‌های‌شان به مدت حداقل یک سال.

۶ حمایت دولت از متکدیان بی‌سرپرست حداقل به مدت یک سال. ایجاد صنف‌های آموزشی مهارت‌های شغلی برای متکدیان بی‌سرپرست. بعد از فراگیری مهارت‌های شغلی پرداخت امکانات مالی برای‌شان بخاطر ایجاد اشتغال.

#### منابع

- ۱ بشیرزاده، داود: تکدی‌گری، ماهنامه فرهنگی اجتماعی پایش سبک زندگی، شماره ۱۰ آذر سال ۱۳۹۴.
- ۲ شکوری، علی، معتمدی، حمید: مطالعه‌ی علل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر پدیده تکدی‌گری: فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، سال اول، شماره سوم، تاریخ پذیرش ۲۰/۹/۱۳۹۱.
- ۳ مهربان، وحید: تکدی‌گری و مبادلات اقتصادی در بازار سنتی تهران، مجله اقتصاد- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی شماره ۲، اردیبهشت سال ۱۳۹۱.
- ۴ سازمان فنی و آموزش‌های حرفه‌ای کشور، تکدی‌گری، آینه آسیب‌های اجتماعی بنهان و نهان، [http://svr.irantvto.ir/uploads/1306186\\_Takadigari.pdf](http://svr.irantvto.ir/uploads/1306186_Takadigari.pdf)
- ۵ دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۴) لغتنامه، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۶ کامکار، مهدیس (۱۳۸۲) «سیاست‌های اجتماعی چیست» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم شماره ۱۰.
- ۷ مزلو، آبراهام هرولد (۱۳۶۷) انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸ رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۳) جامعه روستای و نیازهای آن، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۹: مهربانی، وحید (۱۳۹۶) «مطالعه پدیده تکدی‌گری»، فصل نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال پنجم شماره ۱۸.



# کنش گران سیاسی هرات و شرایط کنونی کشور؛

## دستیابی به صلح یا عقب‌گرد

ترتیب‌دهنده: فریبا اکبری



خروج نیروهای آمریکایی و شرایط کنونی کشور واکنش‌های مختلفی به دنبال داشته است. شماری از آگاهان سیاسی آینده افغانستان را بعد از خروج نیروهای آمریکایی مثبت توصیف می‌کنند، اما شماری هم خروج این نیروها را فرصتی برای آمدن صلح می‌دانند. هم‌زمان شماری از کنش‌گران سیاسی در هرات شرایط کنونی کشور را شکننده عنوان کرده و می‌گویند، اگر سازمان ملل متحد، کشورهای منطقه و طرفین گفتگو کننده در تشکیل حکومت همه شمول به توافق برسند، امید است که ارتش دچار فروپاشی نشود، روند دموکراسی را ادامه و جنگ چهل ساله خاتمه یابد در غیر این صورت، ما شاهد شدت گرفتن جنگ‌ها بیش از آنچه در گذشته تجربه کردیم، خواهیم بود.

داوود عرفان استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات در صحبت با اخبار روز بیان می‌دارد، وضعیت سیاسی کشور شکننده معلوم می‌شود. واضح نیست که بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان چه اتفاقی خواهد افتاد و امکان دارد که طالبان بخواهند از طریق نظامی حکومت فعلی را سرنگون کنند. این استاد سیاست می‌گوید: "دولت فعلی افغانستان مشروعیت و کارایی آنچنانی ندارد که بتواند مباحث بعد از خروج نیروهای خارجی را در افغانستان مدیریت نماید بنابراین از یک طرف امیدواریم که مذاکرات صلح نتیجه دهد و از طرف دیگر نگران تکرار تجربه‌ی تلخ گذشته و ایجاد فاز جدیدی از ناامنی در کشور هستیم."

او بیان کرد تا زمانی که مشکلات افغانستان به صورت عمیق بررسی و راه حل‌های منطقی جستجو نشود، این زمینه را برای ایجاد درگیری‌های تازه ایجاد خواهد کرد. سعید حقیقی از کنش‌گران سیاسی در هرات تأکید می‌کند، وضعیت سیاسی کشور به صورت دراماتیکی بحرانی و خطرناک است. متأسفانه نیروهای که زیر سقف با اصطلاح جمهوریت قرار دارند، در ناسامانی و پریشانی فکری و سیاسی به سر می‌برند و هیچ کدام به شمول تیم ارگ و سپیدار به چیزی غیر از منافع مقطعی‌شان نمی‌اندیشند.

حقیقی بر این باور است، مشروعیت بخشیدن به طالبان به معنای برگشت به عقب است که این کار متأسفانه اتفاق افتاده است.

این کنشگر سیاسی بیان می‌دارد، با بیرون شدن

عقب‌گرد را تجربه خواهیم کرد و این عقب‌گرد برای زنان بیشتر دردآور است.

ماریا بشیر افزود، نخست دولت افغانستان باید بکوشد، که اجماع ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی در مورد صلح افغانستان ایجاد کند و در گام بعدی باید در گفتگوهای صلح همه طرف‌های گفتگو کننده و کشورهای منطقه باید برای آوردن صلح در افغانستان صداقت داشته باشند. اما، از سوی هم شماری از آگاهان سیاسی هرات می‌گویند که نباید نگران شدت گرفتن جنگ‌ها و خشونت‌ها در افغانستان بود، بلکه باید خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را فرصتی برای آمدن صلح و پایان یافتن جنگ‌های چند دهه پسین دانست.

محمد رفیق شهیر؛ آگاه سیاسی با آنکه تأیید می‌کند وضعیت فعلی در افغانستان غیر قابل پیش‌بینی است، اما می‌گوید: "تا زمانی که آمریکایی‌ها اطمینان از شرایط افغانستان نمی‌داشتند بحث خروج‌شان را مطرح نمی‌کردند. در ضمن طالبان به تعهداتی که برای آمریکا در توافق‌نامه دوحه داده‌اند نیز عمل کرده‌اند."

این آگاه سیاسی علاوه می‌کند، حکومت افغانستان با رهبری جدید ادامه پیدا کند و اگر خشونت‌ها هم شدت بگیرد، کشورهای متعهد به پروسه صلح افغانستان برای مهار این خشونت‌ها نیز متعهد خواهند بود.

نیروهای خارجی بدون شک افغانستان به مشکل مواجه می‌شود. حتی اگر با طالبان توافق سیاسی نیز انجام شود، مشکلات افغانستان وسیع تر از حالا خواهد بود. طالبان اگر با توافق سیاسی وارد شهرها شدند، باز هم در پی تحکیم افکار و حاکمیت شان خواهند بود و تنش در سطح جامعه گسترش می‌یابد. از نظر اقتصادی افغانستان با افت کلان رو به رو خواهد شد و فرار و مهاجرت از کشور به صورت کم سابقه افزایش می‌یابد.

حقیقی می‌گوید: "پای آمریکا و کشورهای غربی حالا از تنازع بیرون شده و یگانه راه چاره این است که برنامه صلح افغانستان را در یک سطح کلان و فراگیر اعم از نیروهای سیاسی داخلی، کشورهای منطقه، جامعه جهانی و طالبان را سازمان ملل متحد مدیریت کند."

با این وجود، ماریا بشیر فعال حوزه سیاست در صحبت با اخبار روز تأیید می‌کند که شرایط فعلی افغانستان پیچیده است و کمتر کسی می‌تواند از آن تحلیل درستی داشته باشد و زنان بیش از هر زمان دیگری نگران عقب‌گرد هستند.

بشیر ضمانت اجرایی توافق‌نامه صلح که ممکن است در آینده میان طرفین گفتگو کننده صلح افغانستان به امضا برسد را مورد پرسش قرار داده و می‌گوید: "اگر کشورهای که برای آوردن صلح در افغانستان متعهد سپردند، به گفته‌های شان عمل نکنند، ما دوباره





روز جهانی آزادی مطبوعات؛

## فعالان رسانه‌ای هرات نگران آینده فعالیت خبرنگاری‌اند

گزارشگر: فریبا اکبری

نسل نو افغانستان، پس‌زمن رسانه قابل قبول نیست. محسن کریمی یک تن از خبرنگاران می‌گوید: "از دستاوردهای کلان حکومت در دو دهه گذشته رسانه بوده است، اما متأسفانه با شروع مذاکرات میان افغانان نگرانی جامعه رسانه‌ای از شدت گرفتن محدودیت‌ها و خشونت علیه خبرنگاران بلند رفته است."

کریمی بیان داشت، رسانه‌ها در دو دهه اخیر نیز با دشواری درون سازمانی و بیرون سازمانی بسیاری روبرو بوده‌اند، و حالا با بلند رفتن تهدیدها علیه خبرنگاران نگرانی‌ها هم بیشتر شده است.

این خبرنگار اظهار داشت، دولت باید پرونده‌های خشونت علیه خبرنگاران را به گونه‌ای دقیق بررسی کند و نهادهای بین‌المللی نیز با فعالیت دادخواهانه از فعالیت رسانه‌ها حمایت کنند.

از سوی هم، آریا روفیان رییس اداره اطلاعات فرهنگ بیان می‌کند. محفل امروز به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات برگزار شده و دو هدف در این محفل وجود دارد اهدای تندیس آقای نور احمد کریمی به سه روزنامه نگار پیش‌کسوت عرصه خبرنگاری و برگزاری نمایشگاهی که در آن وسایل ارتباطی و رسانه‌ای را از زمان آغاز کار رسانه‌ای تا به حال به نمایش می‌گذارد.

گفتنی است که در حال حاضر ۲۰ شبکه رادیویی محلی و ۱۹ شبکه تلویزیونی محلی و ۲۵ رسانه چاپی در هرات فعالیت می‌کند.



حقیقی علاوه

کرد، در کنار اینکه نگرانی از آینده کاری رسانه‌ای در کشور، خوشبینی‌های نیز وجود دارد. نسل نو افغانستان اجازه نخواهد داد که دستاوردهای رسانه نادیده گرفته شود، چون دیگر نمی‌خواهند با مقلطه زندگی کنند.

با این حال، سهیلا عرفانی استاد دانشگاه و فعال رسانه در هرات می‌گوید: "در دو دهه اخیر ما شاهد فعالیت عظیم رسانه‌ها بودیم. این رسانه‌ها باعث تحولات مثبتی در جامعه شدند و رسالت خود را با پشت سر گذاشتن تمام دشواری‌ها انجام دادند.

عرفانی افزود، نگرانی عمده خبرنگاران این است که در مذاکرات صلح و بعد از آن محدودیت‌های بیشتری علیه خبرنگاران وضع شود و تهدیدهای امنیتی علیه‌شان شدت گیرد.

این استاد دانشگاه گفت: برای افکار عمومی کشور و

همزمان با بزرگداشت از سوم می، روز جهانی آزادی مطبوعات شماری از فعالان رسانه‌ای در هرات شرایط فعلی برای خبرنگاران را دشوار عنوان کرده و از آینده کار رسانه‌ای در کشور ابراز نگرانی کردند.

این روز از سوی اداره اطلاعات و فرهنگ هرات با اهدا تندیس نور احمد کریمی به سه تن از پیش‌کسوتان عرصه روزنامه‌نگاری تجلیل شد. سعید حقیقی آگاه امور رسانه‌ای در هرات بیان می‌دارد، رسانه‌ها طی دو دهه گذشته به خوبی توانستند که از فعالیت دولت و نهادها نظارت کنند و این موفقیت فعالیت رسانه را در کشور نشان می‌دهد.

این آگاه امور رسانه بیان می‌کند، مخالفان رسانه‌ها در کشور افرادی هستند که فکر می‌کنند حقیقت پیش آنهاست و نباید رسانه‌ها برای بیان واقعیت موجودیتی داشته باشد.



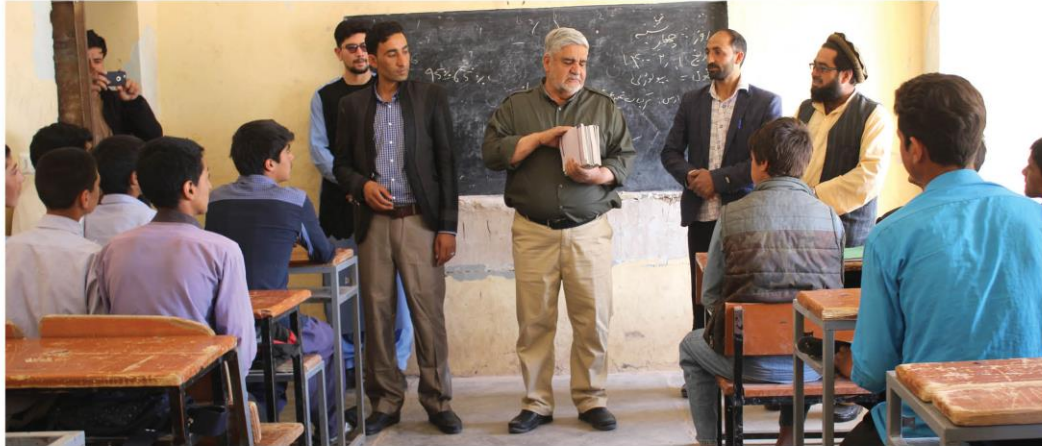
# شورای متخصصان هرات برای دو مکتب در ولسوالی زنده جان کتاب درسی اهدا کرد



می‌گویند، کمبود کتاب ما را به مشکل مواجه ساخته و روی یادگیری دانش‌آموزان تأثیر منفی گذاشته است. اصیل از استادان این مکتب بیان می‌کند، کمبود کتاب باعث می‌شود که تمام درس‌ها را برای

این نهاد همواره از معارف حمایت خواهد کرد و تلاش خواهد کرد که بعد از این نیز در قسمت تهیه مواد درسی دانش‌آموزان را یاری کند. در همین حال، امر لیسسه قلعه یادگار از این اقدام شورای متخصصان هرات سپاس‌گزاری نمود و

در پی راه‌اندازی کارزار جمع‌آوری کتاب برای معارف هرات، شورای متخصصان برای لیسسه پسرانه و دخترانه «قلعه یادگار» ولسوالی زنده جان کتاب درسی اهدا کرد. کارزار ده‌روزه‌ای جمع‌آوری کتاب درسی تحت نام



دانش‌آموزان نوت بدهیم و این وقت را ضایع ساخته و دانش‌آموزان را از روند یادگیری باز می‌دارد. لایقه محمدی از دانش‌آموزان دوره لیسسه است و به گفته‌ی خودش بیشترین کتاب‌های درسی را ندارد. او می‌گوید: "نداشتن کتاب باعث شده که ما هیچ منبعی برای یادگیری نداشته باشیم و خانواده‌های ما نیز توان خریداری کتاب را ندارند، بنابراین از تجار و نهادهای کمک‌رسان می‌خواهیم که در قسمت تهیه مواد درسی دانش‌آموزان ولسوالی‌ها را کمک نمایند. گفتنی است که ذکریا رحیمی رییس معارف هرات طی یک کنفرانس خبری بیان داشت که با آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۰ معارف هرات با ۴ میلیون کمبود کتاب مواجه است.

کارزار جمع‌آوری کتاب را یک فرصت برای توجه به دانش‌آموزان ولسوالی‌ها دانست. نظام‌الدین جامی امر لیسسه قلعه یادگار گفت: "در ولسوالی زنده جان ۹۰ درصد دانش‌آموزان به کمبود کتاب درسی مواجه هستند و تا به حال از سوی هیچ نهادی برای آنان کتاب درسی کمک نشده است." امر این مکتب افزود، در کنار اینکه بیشتر دانش‌آموزان دوره متوسطه و لیسسه به کمبود کتاب مواجه هستند، حتی یک جلد کتاب برای استاد موجود نیست که توسط آن بتوانند مضمون مربوطه را تدریس کنند. از سوی هم شماری از استادان این مکتب

"کتاب من برای تو" از سوی ریاست معارف هرات راه‌اندازی شده است. رییس شورای متخصصان همزمان با بازدید دو مکتب ولسوالی زنده جان (لیسسه پسرانه و دخترانه قلعه یادگار) برای دانش‌آموزان این مکاتب کتاب درسی اهدا کرد. محمد رفیق شهپر رییس شورای متخصصان هرات با ابراز قدردانی از ریاست معارف هرات برای راه‌اندازی کارزار جمع‌آوری کتاب گفت که مکاتب ولسوالی‌های هرات مشکلات بیشتری دارند و باید از سوی نهادهای کمک‌رسان و دولت به آنها توجه صورت گیرد. رییس شورای متخصصان هرات بیان داشت که



# کتاب صد یاقوت هرات رونمایی شد

گروه کن فیبا آفری



سخنرانی می‌کرد، بیان داشت که برگزاری این چنین برنامه‌ها را باید غنیمت دانست.

والی هرات ابراز داشت، ممکن است که هرات بیش از این شخصیت‌های برجسته داشته باشد، اما چنین فعالیت‌های که زنده کردن تمدن گذشته می‌پردازند باید ارج گذاشته شود.

به گفته‌ی مسوولان انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، در این پژوهش هدف از هرات، شهری به معنای جغرافیای کنونی نیست، بل یکی از شهرهای مهم خراسان است که از غور گرفته تا کرانه‌های سیستان و از طوس تا نیمه‌های فاریاب را می‌تواند نشانه گیرد.

داشت گفت، در شرایطی که جنگ در کشور جریان دارد، پرداختن به خاطره جمعی و یادآوری از گذشته‌ی تمدنی برای سامان دادن زندگی امروزی معنای پیدا می‌کند.

آقای سپنتا افزود، چنین طرحی



می‌تواند زندگی روزانه سیاسی را بر قردادهای اجتماعی عرفی و نمادها و نمودها مشترک تمدنی جهان شمول بنا دارد.

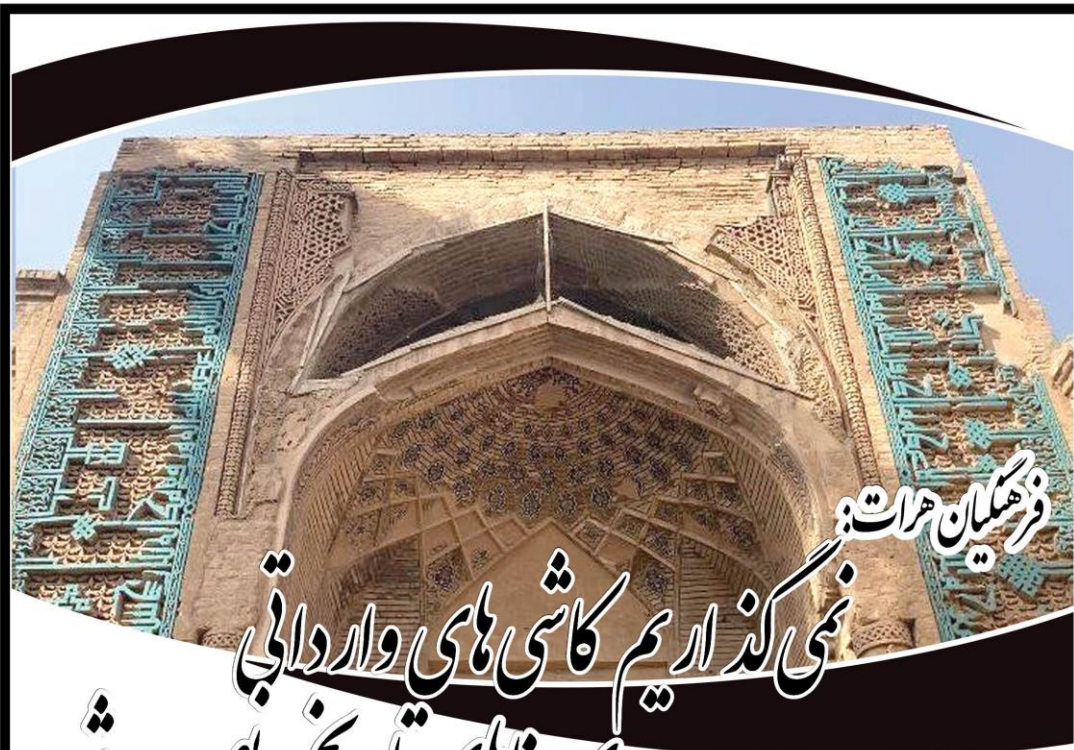
با این حال، سید وحید قتالی والی هرات نیز که در رونمایی از این کتاب

کتاب "صد یاقوت هرات" از سوی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان رونمایی شده است. این کتاب به معرفی شخصیت‌های برجسته هرات در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. نقیب آروین مدیر مسوول رادیو نوروز و از برگزار کننده‌گان این برنامه بیان می‌دارد که انجام این کتاب پژوهشی بیش از دو سال به طول انجامید و در این پژوهش ۱۰۰ تن از افرادی که در فقه، هنر، تاریخ، سیاست، اقتصاد و فرهنگ شاخص بودند، معرفی شده‌اند. وی افزود، در دورانی که افغانستان بیشتر با جنگ روبرو بوده، فعالیت‌های از این دست می‌تواند به بازشناسی افراد برجسته کشور کمک کند.

رنگین دادفر سپنتا وزیر خارجه پیشین و عضو بورد مشورتی این انستیتوت که در این برنامه حضور







فرهنگیان هرات:

# نمی‌گذاریم کاشی‌های وارداتی روی بناهای تاریخی نصب شود

آقای صفا می‌گوید که کارگاه کاشی‌سازی سنتی هرات به اعتبار کیفیت و چگونگی کار که دقیقاً از لحاظ سبک و ابزار کار با شیوه کاشی‌سازی عصر تیموری‌ها یکسان است در جهان نظیر ندارد و "ما افتخار می‌کنیم که این هنر را مدرنیزه نکردیم."  
کاشی‌کاری در هرات بیش از هشتصد سال سابقه دارد و به عصر زمام‌داری سلطان غیاث‌الدین غوری برمی‌گردد.  
اوج شکوفایی این هنر اما به قرن نهم هجری در عصر تیموریان هرات برمی‌گردد. مدت‌های دراز این هنر بی‌رونق ماند تا اینکه در اوایل قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۲۱ به کوشش عبدالله ملکیار، والی وقت هرات، دوباره کارگاه کاشی‌ساز به سبک تیموری در هرات ایجاد شد.  
بسیاری از بناهای تاریخی هرات و از جمله در و دیوار مسجد جامع بزرگ هرات با کاشی‌های هفت رنگ و معرق تزئین شد.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

تاریخی را به عهده داشته باشیم اجازه این کار را نخواهم داد."  
مسئولان این اداره می‌گویند توريد و نصب کاشی صنعتی خارجی در شهری که پیشینه چند صد ساله و درخشان در تولید کاشی سنتی دارد، جفای بزرگ است.  
آقای صفا می‌گوید رئیس‌جمهوری فرمان داده که بناهای تاریخی و مکان‌های عمومی جدید باید با کاشی‌های سنتی افغانستان و طرح دوره تیموری مزین شود اما تاکنون این دستور اجرایی نشده است.  
او امیدوار است که این دستور به گونه جدی عملی شود.  
یگانه کارگاه سنتی و دولتی کاشی‌سازی هرات به شیوه هشتصد سال قبل و با استفاده از سنگ‌های مخصوصی که از بستر دریای هریرود جمع‌آوری می‌شود، شیشه، قلع و مس گداخته شده در کارگاه‌های مسگری، کاشی تولید می‌کند.

مسئولان فرهنگی هرات می‌گویند برخی از شرکت‌های ساختمانی که مرمت بناهای تاریخی را بر عهده می‌گیرند تلاش می‌کنند تا کاشی‌های صنعتی و وارداتی را به دلیل کم‌هزینه بودن آن به کار ببرند.  
در حال حاضر در برخی از کشورها و از جمله چین، ازبکستان و ایران هم کاشی صنعتی تولید می‌شود اما به گفته مسئولان فرهنگی هرات این کاشی‌ها کیفیت، اصالت و اهمیت کاشی سنتی افغانستان را ندارد.  
اداره حفظ آبدات/بناهای تاریخی هرات می‌گوید پیشنهادهایی برای نصب کاشی صنعتی در قسمت‌هایی از مسجد جامع بزرگ هرات دریافت کرده که بی‌درنگ آن رد کرده است.  
زلمی صفا، مسئول این اداره می‌گوید: "فعالاً جد و جهدی هست که کاشی‌های ایرانی در مسجد جامع هرات نصب شود اما تا زمانی که من مسئولیت اداره حفظ آبدات



این هنر اما از سال ۱۳۶۰ و با شروع جنگ‌ها رو به ضعف نهاد. در سال ۱۳۷۱ تا حدی مورد توجه قرار گرفت اما به رونق پیشین برنگشت.

یگانه کارگاه دولتی کاشی‌سازی هرات که متعلق به آمریت ابدات تاریخی هرات بود نیز در سال ۱۳۹۵ به دلیل نبود امکانات و بودجه به کلی از کار بازماند اما در دو سال گذشته دوباره به کار افتاده، بودجه یافته و حالا ده نفر همه روزه در آن کار می‌کنند.

**انتقال میراث کاشی‌سازی به نسل تازه‌نفس**

بشیر احمد فقیری که ۳۵ سال دارد و در یگانه کارگاه کاشی‌سازی سنتی در اداره حفظ ابدات تاریخی هرات کار می‌کند، می‌گوید: " پدرم ۶۵ سال اینجا کار کرد. حالا آرزوی ما هم این است که شاگردان جوان بیایند و ما به آنان یاد بدهیم که این هنر از بین نرود."

در کنار کاشی‌سازی دولتی، در سال‌های اخیر در هرات یک کارگاه شخصی و خصوصی کاشی‌سازی نیز به همین سبک و شیوه از سوی "استاد" عبدالجلیل توانا خوشنویس برجسته هرات، ایجاد شده است. آقای توانا می‌گوید کاشی اصیل هراتی

را در بناهای تاریخی غزنی، قندهار و کابل او نیز تاکید می‌کند که این هنر باید به نسل‌های بعدی انتقال یابد.

آقای توانا می‌گوید: " روی این هنر حساب می‌شود. این یکی از هنرهای والای این خطه باستانی است. زحماتی که گذشتگان کشیدند باید کارشان گسترش یابد و ما باید آن را به آیندگان انتقال دهیم."

محمد صدیق میر، استاد دانشگاه و عضو انجمن حامیان میراث فرهنگی هرات اما می‌گوید قدم‌های موثری برای حمایت از کاشی‌سازی و کاشی‌سازان برداشته نشده است. به گفته او، این هنر به حمایت دولتی و مردمی نیاز دارد.

آقای میر می‌گوید: "کاشی کار ماهانه پنج هزار افغانی معاش دارد. با پنج هزار در ماه چگونه می‌توان فعالیت کرد؟"

به باور او، برای رونق بازار این کاشی‌ها باید تبلیغات بیشتری بین مردم انجام شود تا در خانه‌ها و دفاترشان از آن استفاده کنند و تقاضا برای این تولیدات افزایش یابد.

مسئولان فرهنگی هرات در حالی بر جلوگیری از نصب کاشی‌های بیرونی در بناهای تاریخی هرات تاکید می‌کنند که اخیراً جنجال بر سر نسبت دادن میراث‌های فرهنگی به نام کشورهای دیگر منطقه بدون نام و حضور افغانستان در فهرست جهانی یونسکو بالا گرفته است.





# هولاکراسی محرکیست برای رشد شخصی افراد

نویسنده: Jen Spost

برگردان: نذیر احمد سعید

وقتی در مورد قدرت تحول‌پذیری هولاکراسی صحبت می‌کنیم، معمولاً ذهن ما به سوی کسب‌وکار و تجارت و مدیریت سازمان‌ها متمرکز می‌شود؛ افزایش شفافیت در سازمان‌ها، کاهش بروکراسی و آزادی کارکنان برای دستیابی به اهداف‌شان. اما روش‌های خودمدیریتی چه نوع تأثیری می‌توانند مشخصاً بر روی خود افراد داشته باشند؟

برای پاسخ به این پرسش، به آکادمی نوآوری اجتماعی یا (SINA) نظری می‌اندازیم. این سازمان غیر انتفاعی مبتنی بر هولاکراسی، با ایجاد آنجمن‌های کوچک و خودپایدار که در آن جوانان به‌حاشیه رانده شده می‌توانند مهارت‌های خود را برای کارآفرینی و تبدیل شدن به رهبران اجتماعی افزایش دهند، و با فقر و افزایش بیکاری در کشورهای جنوب آفریقا مبارزه می‌کنند. هدف سازمان این است که بتواند افراد فعال اجتماع را بعنوان «دانش‌پژوه» توانمند بسازد تا بتوانند راه‌حل‌های مؤثر و پایدار را برای ریشه‌کن ساختن مشکلات گریبان‌گیر جامعه‌ی‌شان، پیدا کنند. مؤثرترین راه برای این که بتواند جوانان را در این راستا کمک کند، همین است که به آن‌ها اجازه دهیم تا رهبری کنند.

در اوایل سال ۲۰۲۰، من (نویسنده) با بنیان‌گذار سازمان SINA «آتین سالبورن» در مورد نقش هولاکراسی در تعیین اهداف سازمان صحبت کردم.

به گفته‌ی او، در این سازمان هولاکراسی چیزی فراتر از یک چهارچوب خود مدیریتی برای کارکنان است. دانش‌پژوهان سازمان عملاً در پروسه‌ی تمرین هولاکراسی اشتراک می‌کنند. این خودش ابزاری برای توان‌مند سازی و آموزش این افراد برای سازمان است.

## مراحل مقدماتی

داستان سازمان SINA در سال ۲۰۰۶، زمانی که آتین، آلمانی بومی، یک‌سال تجربه‌ی خود را در راستای فعالیت‌های داوطلبانه بعد از دوره‌ی متوسطه‌ی مدرسه تکمیل کرد، آغاز شد. در همان‌جا، وی یک برنامه‌ی بورسیه برای کودکان محروم همان منطقه ایجاد کرد که توسط آن تعلیمات متوسطه این کودکان مورد حمایت مالی قرار گرفتند. با این که دانش‌آموزان این برنامه در زمان ادامه‌ی دروس خود احساس قدرت می‌کردند، اما پس از فراغت تا حد زیادی قادر به پیدا کردن کار و پرداختن هزینه‌های تحصیل در دانشگاه نبودند. به دلیل چالش‌هایی که جوانان آن منطقه در همان زمان با آن‌ها روبرو بودند، تنها یک دانش‌آموخته از این گروه به دانشگاه راه یافت و به دروس خود ادامه داد.

در اوگاندا با بیش از ۷۵ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال، نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۳.۳ درصد تخمین زده شده است و تقریباً اکثریت جوانان مصروف کارهای کم‌درآمد و ناپایدار هستند. سالانه تقریباً ۷۰۰ هزار اوگاندانی وارد نیروی کار این کشور می‌شوند، اما فقط ۱۲ هزار شغل رسمی ایجاد می‌شود. پس از پایان دروس متوسطه، دانش‌آموزانی که در بورسیه

اشتراک کرده بودند، دنبال مشاغلی بودند که به سادگی در بازار کار وجود نداشتند. همین جریان، ایده‌ی ایجاد SINA و مدل کنونی او را ایجاد کرد: «فضایی که جوانان در صورت عدم اشتغال، خودشان اشتغال‌زایی کنند.»

## ریشه در خودسازماندهی دارد

اولین اجتماع SINA در سال ۲۰۱۴ تأسیس شد. آتین و بنیان‌گذاران این سازمان می‌دانستند که افراد این اجتماع از همان ابتداء به‌طور خود سازمان دهی شده گردهم می‌آیند، با این که در ابتدا هیچ مدل خاصی را هم روی دست نداشتند. آتین به من گفت: «ما به‌نوعی همه چیز را خودمان طراحی کردیم.» او افزود: «ما از یک معلم از مدرسه/مکتب High Tech High در آمریکا داده‌هایی در اختیار داشتیم که در آن روش‌های زیادی در مورد چگونگی مدیریت دانش‌آموزان‌شان بعد از فراغت و استخدام آن‌ها در خود مدرسه/مکتب موجود بود. این داده‌ها ایده‌ی این که چگونه می‌توانیم جوانان - ذینفع- را با دادن مسئولیت‌های بیش‌تر از همان ابتدا توانمند بسازیم، ایجاد کرد.»

SINA نیز کارکنانی را برای آموزش این دانش‌پژوهان و مدیریت کارهای اساسی سازمان، استخدام کرد. در ابتداء مسئولیت‌های جزئی به دانش‌پژوهان داده شد. با افزایش تجربه و کسب اعتماد به‌نفس بیش‌تر، به تدریج مسئولیت‌های زیادتری را به عهده گرفتند. آن‌ها رهبری و اعتماد به نفس را آموختند، اما این آموزش‌ها عواقب ناخواسته‌ای نیز در پی داشتند.

آگامه مطلب در صفحه بعدی



اتین توضیح داد: "دو سال بعد، در سال ۲۰۱۶، سیستم کاملاً از حالت تعادل خارج شد. دانش‌پژوهان در اوایل مسئولیت‌های بیش‌تری را از افرادی که در سازمان استخدام شده بودند و معاش می‌گرفتند، به‌عهده داشتند. بعد این حالت دیگر برای‌شان منطقی و قابل قبول نبود و وضعیت کمی آشفته شده بود... ساختارهای نامنظم زیادی ایجاد شد. در ادامه می‌گوید: "درست در همین وضعیت بود که بعد از خواندن کتاب "احیای مجدد سازمان‌ها یا Reinventing Organizations" اثر فریدریک لالوکس در مورد روش‌های خودمدیریتی، «هولاکراسی» را کشف کردم." فکر کردم، چرا که نه؟ بیاید امتحان کنیم."

#### اجرای هولاکراسی

"ما بدون هیچ آموزشی و بدون هیچ اطلاعات بیرونی، فقط از طریق منابع آنلاین و هر منبع دیگری که به دسترس ما بود، شروع به اجرای هولاکراسی نمودیم. وضعیت بلافاصله به سوی بهبودی تغییر مسیر داد. در هنگام تعیین نقش‌ها، اوضاع روشن‌تر شد. ما کل این فرایند را با هم انجام دادیم: نقش‌ها را مشخص کردیم، سپس آن‌ها را به افراد تخصیص دادیم و فرایندی برای نحوه همگام‌سازی و بروزرسانی فعالیت‌ها و نقش‌ها ایجاد کردیم که قبلاً آن را تجربه نکرده بودیم. اما هنوز یک سفر پر از دست‌انداز و چالش را پیش‌رو داشتیم. کارهای زیادی را انجام می‌دادیم ولی بازهم زمانی که به عقب نگاه می‌کردیم، متوجه می‌شدیم که هنوز هم همه چیز برخلاف توقع ما جریان دارد." بعد این‌که هولاکراسی بعنوان یک روش خودمدیریتی توسط سازمان انتخاب شد، SINA یک مربی رسمی این روش را بنام «کریستیان سئوس شولر» برای تقویت عمل کرد، به سازمان آورد. هنگامی که هولاکراسی به‌طور عملی در سازمان اجرا شد، SINA ساختار منظم‌تری را در خود شاهد بود. پس از چند ماه آموزش، دانش‌پژوهان این سازمان، برای مدیریت فعالیت‌های روزمره‌ی اجتماع خود شروع به ایفای نقش‌هایی مشخص در چارچوب هولاکراسی نمودند. این نقش‌ها نه تنها نیازهای جامعه از جمله برنامه‌ریزی غذایی، سازمان‌دهی مکانی برای زندگی و محافظت از حیوانات خانگی را برآورده کردند، بلکه نیازهای SINA را نیز به‌عنوان یک سازمان غیر انتفاعی با ایجاد نقش‌هایی برای هم‌آهنگی فعالیت‌های داوطلبانه، نگهداری اسناد و مدیریت بخش حسابداری اقلان کردند. به گفته‌ی آتین، نقش‌آفرینی ابتدائی زمانی ممکن است که اول رشد شخصی و

شغلی افراد آغاز شود. هولاکراسی این کار را واقعا انجام می‌دهد: انجمن‌های موجود در SINA تقریباً به‌طور کامل توسط خود این افراد اداره می‌شوند. در مواقع مختلف، ما تنها ۵ تا ۱۰ کارمند رسمی داریم ولی در عوض ۶۰ تا ۷۰ فرد داوطلب دانش‌پژوه.

دانش‌پژوهان SINA که از هولاکراسی استفاده می‌کنند، آزادانه می‌توانند نقش خود را با استقلالیت و اقتدار رهبری کنند. این افراد، نه تنها که مهارت‌های عملی لازم برای ایجاد سایر سازمان‌های اجتماعی را می‌آموزند، بلکه همچنین به‌طور روزمره رهبری را تمرین می‌کنند و به گونه‌ای معنی‌دار، به افرادی مستقل تبدیل می‌شوند.

#### تأثیر فرهنگی و شخصی

تأثیر این آزادی فراتر از یک زمینه‌ی تجاری برای دانش‌پژوهان SINA است. آتین در مورد چگونگی رادیکال‌بودن مفاهیم «خودسازماندهی» و «رهبری تقسیم‌شده» در جامعه‌ای که SINA فعالیت دارد، چنین ابراز می‌کند: "در آن‌جا ساختار سلسله‌مراتبی زیادی وجود دارد. بسیار قوی‌تر از مناطق دیگر. از سیستم سیاسی گرفته تا ساختارهای خانوادگی همه از آن استفاده می‌کنند. در سیستم‌های مدرسه/مکتب، مردم تلاش نمی‌کنند تا خودشان فکر کنند، همیشه سعی دارند تا دستورات دیگران را دنبال کنند." برای اکثریت دانش‌پژوهان، زمان حضورشان در SINA اولین باری است که از هر نظر به‌عنوان یک رهبر برخورد می‌کنند و قادر به پذیرفتن مسئولیت‌های معنی‌دار هستند. خودسازماندهی/خودمدیریتی و قدرت تقسیم‌شده با توجه به شرایط دشوار آموزش و پرورش دانش‌پژوهان و زمینه‌ی فرهنگی که در آن سلسله‌مراتب از بالا به پایین حاکم بوده است، برای‌شان مفاهیم اساسی هستند. آتین توضیح می‌دهد: "پناهندگانی که از مناطقی آمدند که در آن‌ها اغلب درگیری‌ها ناشی از مبارزه برای کسب قدرت، پول و اعتبار است... فکر می‌کردند که این روی‌کردی است که در این منطقه ممکن نیست. اما دیدیم که امکان‌پذیر است. جوامع می‌توانند خود را با توزیع اختیارات بسازند، البته نه طوری که این اختیارات را به یک نفری که در بالا همه تصمیم را اتخاذ کند، واگذار کنند."

دانش‌پژوهان SINA حالا در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که قدرت کامل برای انجام کارها را به‌طور مستقلانه دارند و می‌توانند به خود بی‌اندیشند. آن‌ها معتقد اند که دیگر استقلالیت و قدرت انتخاب مسیرشان

را دریافته‌اند. این مسئله در کنار افزایش مهارت‌هایی که در یک تجربه‌ی عملی از هولاکراسی بدست آوردند، به افراد در قسمت تغییر زندگی‌شان نیز کمک می‌کند. بسیاری می‌گویند که مشکلاتی که قبلاً در زندگی داشتند و حالا راه‌حل‌های مناسبی برای‌شان پیدا کرده‌اند، با ایجاد سازمان‌های اجتماعی می‌توانند برای افرادی که شبیه آن مشکلات را تجربه می‌کنند، یاری رسانند.

#### نگاه به آینده

مجمع دوم SINA در سال ۲۰۱۶ میلادی زمانی که سه تن از دانش‌پژوهان پس از فارغ‌التحصیلی تصمیم گرفتند تا یک سازمان اجتماعی با استفاده از مدل SINA در اردوگاه/کمپ پناهندگان/مهاجرین ایجاد کنند. در حالی که آتین در ابتدا قصد تکرار این مدل را فراتر از جامعه‌ی فعلی خود نداشت، اما تصمیم ایجاد مجمع دوم وی منطقی بود. این دو سال موجودیت پناهندگان در SINA آن‌قدر آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده بود که خواستند این تجربه را عملاً به اجتماع خود به‌کار بگیرند و آن‌ها کاملاً قادر به انجام این کار بودند.

تا سال ۲۰۱۹، دو مجمع دیگر در اوگاندا تأسیس شدند و حالا سازمان جهانی SINA (SINA Global) با هدف ایجاد "جامعه‌ای از جوامع" بنیان‌گذاری شده است. در حالی که تلاش دارند مدل خود را در زمینه‌های جهانی مقیاس‌بندی کنند، در تلاش این هم هستند تا فراتر از اوگاندا گسترش یافته و در زیمبابوه، کنیا و کنگو مجمع ایجاد کنند.

در طول پنج‌سال گذشته، فارغ‌التحصیلان SINA «۳۶» سازمان اجتماعی ایجاد کرده‌اند. اکثریت‌شان از مدل هولاکراسی استفاده می‌کنند. تقریباً نیمی از فارغ‌التحصیلان برای خود اشتغال‌زایی کردند و بقیه یا شاغل هستند و یا درجای دیگر ادامه‌ی تحصیل می‌دهند. در بین آن‌ها، تنها ۸ درصد از فارغ‌التحصیلان هنوز به‌دنبال کار هستند. همه‌ی این افراد به اتفاق آراء موافقت کردند که SINA مؤثریت بیش‌تری از زمان درس خواندن در مدرسه/مکتب برای‌شان داشته است.

هولاکراسی یک فضای توان‌مندسازی ایجاد می‌کند که در آن هر کس در یک سازمان می‌تواند رهبری نقش خود را به‌عهده داشته باشد. برای بسیاری از افراد، این امر در سطح مسائل شخصی نیز قابل ملاحظه است. وقتی با مردم به‌عنوان رهبر رفتار شود، آن‌ها به خود و نقش‌های‌شان در زندگی، از دید یک رهبر نگاه خواهند کرد. مسیر خودش را آزادانه انتخاب می‌کند و در چگونگی پی‌موندن این مسیر، استقلالیت کامل دارد.

وبسایت سازمان SINA: <https://socialinnovationacademy.org>





# پیامدهای جنگ جهانی دوم

نویسنده‌گان:

محمد صادق محمدی

وجیهه کریمی و خدیجه محمدی

درک و شناخت ماهیت جنگ به ما کمک می‌کند تا در آینده بیشتر قادر به جلوگیری و مدیریت منازعات مسلحانه شویم. در واقع، کالبدشکافی چند بعدی جنگ یکی از راهبردهای مؤثر برای حرکت به سوی صلح پایدار می‌باشد که با نوع درک عبرت‌آمیز از گذشته همراه است. جنگ یا منازعه مسلحانه پدیده قدیمی، پیچیده و چند بعدی است که بررسی همه‌جانبه آن نیازمند زمان و منابع زیاد می‌باشد و معمولاً از حوصله پژوهش‌های این‌چنینی بیرون است. در این مقاله کوتاه ما تلاش می‌کنیم پیامدهای جنگ جهانی دوم را به صورت فشرده مورد تحلیل قرار دهیم و در نهایت، برداشت‌های مان را در قالب نتیجه‌گیری شریک سازیم.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) مرگ‌بارترین و تکان‌دهنده‌ترین واقعه ترازیک در تاریخ معاصر بشر به حساب می‌آید. این جنگ در کنار بسیاری از پیامدهای ناگوار و دردناک، تأثیرات مثبتی نیز داشته است که در خور توجه می‌نمایند. در حقیقت، این ترازیدی، نه تنها زندگی بیش از ۷۰ میلیون انسان را آسیب رساند که معادلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به ویژه امنیتی جهان را وارد فاز تازه‌ای نمود.

شاید برجسته‌ترین پیامد جنگ جهانی در گرونی روابط قدرت در سطح جهان باشد؛ طوری که افول امپراطوری‌ها در محراق این تحول قرار می‌گیرد. در مقابل، دو ابرقدرت جهانی ظهور نمود- شوروی و آمریکا- که کارگردان و بازیگران اصلی جنگ سرد و شکل‌گیری مناسبات جدید قدرت قلمداد می‌شوند. چنان‌که از بسیاری می‌گویند، جنگ گروه‌هایی را زمین می‌زند و گروه‌هایی را نیز تعالی می‌بخشد. در جنگ جهانی دوم نیز پیروزی متفقین آمریکا و روسیه را تبدیل به دو قدرت بزرگ جهانی نمود. این ابرقدرت از نظر ایدئولوژی سیاسی-اقتصادی کاملاً متفاوت و در تضاد قرار داشتند، اولی وفادار به منطق سرمایه‌داری و

نهادهای آکادمیک و گفتمان‌های مدنی گردید که نوبه خود افق‌های عملیاتی تری برای صلح پایدار ترسیم می‌نمایند.

تشدید ملی‌گرایی و استقلال طلبی از دیگر پیامدهای این جنگ به حساب می‌آید که در نوع خود بسیار قابل تأمل است. در خلال جنگ سرد و با دست‌اندازی بازیگران جهانی ممالک مستعمره و نامستقل آهنگ استقلال سر دادند و سلطه استعمارگران را به چالش کشیدند. در این میان، بسیاری از ممالک کوچک مبارزات نفس‌گیری را بسط دادند که در نهایت منجر به استقلال آن ممالک گردید.

به عنوان نتیجه‌گیری این مبحث می‌توان سه نکته مهم را از پیامدهای جنگ جهانی دوم استنتاج کرد:

الف، تضاد ایدئولوژیک می‌تواند پیامدهای منفی و ویرانگری را حتی پس از شکل‌گیری توافق صلح به همراه داشته باشد. این مسأله بایستی در مذاکرات صلح افغانستان نیز لحاظ گردد. بدان معنا که طرف‌ها در کنار سایر ابعاد، به تقارن ایدئولوژیک نیز تلاش ورزند یا چارچوب توافق باید قادر به هضم و جوابگویی به مطالبات متناقض ایدئولوژیک طرف‌ها باشد ورنه احتمال پیامدهای منفی دور از پیش‌بینی نیست.

ب، منازعه کنونی افغانستان ممکن است ریشه‌های قوی در عصر جنگ سرد داشته باشد؛ طوری که این مسأله تحلیل منازعه افغانستان در بستر کنونی یا حتی دهه ۱۹۹۰ را مخاطره‌آمیز می‌نماید.

ج، وابستگی‌های فراملی که پیامد جنگ جهانی دوم می‌باشد، ما را ملزم می‌دارد تا نقش بازیگران منطقه‌ای را جدی بگیریم.

باید به خاطر داشت که جنگ افغانستان هم از نظر سطح با جنگ جهانی غیر قابل مقایسه است و هم از نظر ماهیت. لذا نتیجه‌گیری فوق نمی‌تواند عاری از خطا باشد؛ لذا آن نتایج بایستی به عنوان محورهای قابل تأمل در روند مذاکرات مدنظر گرفته شود چه که تمام جنگ‌ها در رغم تفاوت‌های فاحش، الگوهای مشترکی نیز چه قالب عوامل و چه در مقوله پیامد می‌تواند داشته باشد.

دیگری معتقد به منطق سوسیالیستی-کمونیستی. این افتراق ایدئولوژیک به شکل‌گیری جنگ سرد انجامید که پیامدهای آن برای ممالک کم‌توسعه‌یافته و

ضعیف مانند افغانستان جبران‌ناپذیر می‌نمایند. شکل‌گیری بلوک غرب به رهبری آمریکا و بلوک شرق به رهبری شوروی جهان را به دو قطب متخاصم تقسیم نمود. در این مقطع، توسعه فناوری نظامی-امنیتی رشد بی‌پیشینه داشت. نوآوری‌ها و اختراعات جدید رشد تصاعدی پیدا کرد. توسعه‌یافته‌گی صنعتی نیز رونق بی‌پیشینه یافت و جهان کم‌کم وارد عصر اطلاعات گردید. تمام این وقایع در گفتمان‌های کلان نظامی-امنیتی این دو ابرقدرت شکل گرفت که این خود می‌تواند به صورت مستقل قابل بحث باشد. نکته مهم دیگر تغییر شکل ماهیت از جنگ‌ها از وضعیت میان‌کشوری به درون‌مملکتی است که به باور بسیاری از محققان محصول جنگ سرد و بازی‌های سایه‌ای این دو ابرقدرت جهانی می‌دانند. در واقع، جنگ داخلی افغانستان نیز با این رقابت نفس‌گیر امرگ‌آفرین نسبت داده می‌شود.

جنگ جهانی دوم به جهان شوک غیر قابل باوری وارد نمود که در نتیجه آن، کم‌کم مباحث صلح وارد گفتمان‌های سیاسی-علمی جهان گردید. تأسیس سازمان ملل نقطه عطفی در مناسبات جهانی پنداشته می‌شود و در راستای مباحث صلح قدم عمل‌گرایانه سیاسی در جهان پنداشته می‌شود. شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی در کنار اختراعات و نوآوری‌های خارق‌العاده ارتباطی بستر و با اهداف غالباً امنیتی زمینه را به گسترش جهان-وطنی مساعد ساخت؛ ارتباطات میان‌ملتی وسعت یافت و جایگاه ممالک به عنوان بازیگران در سطح جهانی رنگ گرفت. در واقع، نوعی نظم جهانی مبتنی بر جهان-ملتی شکل گرفت. شاید مستقیم‌ترین پیامد این تلاش‌ها تنزل سطح منازعات مسلحانه از میان‌ملتی به درون‌ملتی باشد که در نوع خود هم قدم مثبت تلقی شود و هم نکات منفی دارد. از جنگ جهانی دوم به بعد رشته مطالعات صلح و حل منازعه وارد دانشگاه‌ها،





# محدودیت ساختاری پيداگوجی افغانستان

نویسنده: ناصر کریمی

واقعی در کودکان را ندارند. البته این مطلق نیست و بعضی از مکاتب دولتی و خصوصی با محدودیت‌های ساختاری مقابله کرده و آموزش معیاری ارائه کردند. باید توجه داشت نصاب، ابزار و شیوه‌های آموزشی در تمام افغانستان یکسان است و شرایط، فرهنگ‌های بومی و منطقی‌وی را در نظر نمی‌گیرد. فریبه توجه به بستر و زمینه‌ی زندگی کودکان را نقطه آغاز آموزش و پرورش می‌داندست و اعتقاد داشت که آموزش و پرورش نباید عمومی و یکسان باشد؛ بلکه نسبت به نیازها و بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هر منطقه باید سازگار شود تا کودکان از همان آغاز بتوانند ارتباطی را بین زندگی واقعی خود و آنچه در مدرسه می‌آموزند برقرار سازند. در بخش دیگر، کمک‌های مالی و تکنیکی مراجع مختلف به معارف این وزارت را وابسته به سیاست‌های کمک‌کنندگان کرده است. وزارت معارف در تازه‌ترین برنامه که متأثر از کم شدن کمک‌های بیرونی است، می‌خواهد مضمون‌های مدارس را مدغم نماید تا بر مشکل کمبود کتاب و استاد فائق آید، راه حلی عجولانه، و غیر مسلکی.

باید قبول کنیم که از معارف کشوری که ده‌ها سال را در بستر ناامنی رشد نموده است، توقع تربیت نسلی باسواد نمی‌رود؛ اما تجربه دیگر کشورها و سازمان‌ها و برداشت‌های محیطی از آموزش می‌تواند در افغانستان راه‌گشای مشکلات باشد.

## اما باید از کجا شروع کرد؟

عمده‌ترین موضوع این که معارف از تأثیر سیاست‌های حاکمان و مراجع دینی بدور باشد، در معارف باید سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی هم‌زمان حمایت مردمی تسویق و افزایش پیدا کند. مناطق دور دست و کم جمعیت با استفاده از تکنالوژی تحت پوشش قرار گیرد، دوره‌ی تحصیل الی صنف نهم عمومی، مؤثر و مبتنی بر واقعیت‌های محیطی پلان‌ریزی شود و دوره‌های فنی حرفه‌ای با در نظر داشت نیاز بازار کار کشور گسترش یابد و از صنف دهم بر اساس علاقه و نیاز تحصیلات تخصصی تنظیم گردد.

در افغانستان از گذشته درس و دانش مربوط به بچه‌های خان‌ها، مقامات دولتی، اربابان و زورمندان بوده و از نظر ستم‌دیدگان و ستم‌گران سر و وضع آراسته، خواندن کتاب، داشتن حق نظر و داشتن امکانات بهتر مالی حق خونین و فرزندلان آن‌ها بوده است. با تطبیق و تلقین این سیاست بر توده‌ها، سال‌ها جامعه را عقب نگه‌داشتند و حکمرانی کردند. در دهه پنجاه زمینه‌های تغییر نه از قریه‌جات، بلکه در سطوح بلندی از مقامات دولتی و اشخاص فیودال ایجاد شد و حکومت از نظام شاهلی به جمهوری تغییر ساختار داد. نکته مهم این بود که این تحول فکری و تغییرات ترقی‌خواه از توده‌ها نبود و از بالا به پایین تطبیق می‌شد.

در بخش معارف و سواد تحولات دهه پنجاه، بخصوص بخش سوادآموزی لازم، اما شتاب‌زده بود، مردمان قریه‌ها و تحت استعمار مالکان، آمادگی پذیرش تحول را نداشتند و ستم‌گران از تغییر در جامعه‌ی کارگری در هراس بودند. اغتشاش‌ها در سطح قریه‌ها با ابزارهای دینی و حمایت قدرت‌های بیرونی ایجاد شد و ستم‌دیدگان دین را در خطر و منافع خود را در حمایت از ستم‌گران دیدند و بنیاد تمام اصلاحات در کشور را کند، متوقف و به نابودی کشاندند.

در کشوری کوهستانی و بدون راه‌های مواصلاتی و ابزارهای ارتباطی، نسل قبل از جنگ‌های دهه شصت بی‌سواد، منفعل و بی‌خبر از پیشرفت در جهان و مصروف تأمین مادیات خود بودند و نسل بعدی در جنگ، آواره‌گی و بدون آموزش زندگی سر کردند و خشونت و بی‌قانونی به اوج خود رسیده بود.

با آغاز دور جدید سیاسی در افغانستان، پایه‌های معارف با کمک‌های خارجی و بدون تجربه و پلان منطبق با شرایط محیطی افغانستان گذاشته شد، ساختارها شکل گرفت، مکاتب ساخته شد و بیست سال گذشت، اکنون تربیت شده‌گان معارف و پوهنتون‌ها وارد اجتماع و بازار کار شده‌اند؛ اما با خود، تغییر و تحول نیاوردند، اکثراً صرف خواندن و نوشتن را آموخته‌اند، در یک گردش شاگردان دیروز به معلم‌ان امروز تبدیل شدند که توانایی نوآوری و مؤثریت در تولید فکر، دانش و ایجاد سواد

یکی از دلایل موفقیت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، اولویت قرار دادن معارف و محو بی‌سوادی است؛ اما از سواد برداشت‌های متفاوت وجود دارد. در تعریف سنتی، سواد را توانایی خواندن و نوشتن یا توانایی به‌کاربردن زبان برای خواندن، نوشتن، گوش‌دادن و سخن‌گفتن می‌دانند. حال آن که در تعریف جدید «یونسکو» توانایی ایجاد تغییر، مלאک باسوادی قرار گرفته است. این یعنی، شخصی باسواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خوانده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. در واقع این تعریف، مکمل تعریف قبلی است؛ زیرا تنها دانستن یک موضوع به معنای عمل به آن نیست. در صورتی که مهارت‌ها و دانش آموخته شده، باعث ایجاد تغییر معنادر در زندگی شود، آنگاه می‌توان گفت: این فرد انسانی باسواد است.

پائولو فریبه سواد را آزادی‌بخش می‌داند و می‌گوید: سواد فقط مهارت فنی برای کسب نیست، بلکه به عنوان اساسی ضروری برای کنش فرهنگی برای آزادی است. این جمله‌ی فریبه اهمیت و لزومیت سواد را در جوامع تحت استعمار و عقب‌مانده نشان می‌دهد یعنی حتی در صورتی که شما با سوادلی که دارید دارای شغل شوید و تغییر در زندگی خود ایجاد کنید باز هم باسواد تلقی نمی‌شوید، هر گاه آموخته‌های‌تان شما را آزاد کند آن وقت باسواد هستید.

## اما افغانستان در چه مرحله‌ای از باسوادی قرار دارد؟

آیا سواد توانسته توده‌ها را توانمند برای تغییر در زندگی و آزادی نماید؟

با مروری گذرا به تاریخ سیاسی افغانستان به این نتیجه می‌رسیم که پایه‌ی تمام مشکلات افغانستان از بی‌سوادی است و سیاست‌مداران بر این امر واقف اند که حکومت بر مردمان آگاه مشکل است.

همچنین قدرت‌هایی که در این جغرافیا، منافع دارند خواستار مردمانی منزوی، بی‌سواد و غرق در مشکلات اقتصادی هستند و تاکنون به این هدف خود رسیده‌اند. **چرا سواد، باعث تغییر در زندگی و جامعه ما نشده است؟**



نتایج یک پژوهش؛

# امنیت شغلی بانوان خبرنگار حوزه غرب کاهشی یافته است



اینکه همواره ما از این مشکلات حرف می‌زنیم، اما بی‌گیری وجود ندارد. عاطفه علیزاده بیان می‌کند، نبود امنیت شغلی و تبعیض جنسیتی از مشکلات عمده زنان خبرنگار است. بسیاری بر این باورند که وضعیت اقتصادی رسانه‌ها خوب نیست. اما در واقعیت این است که رسانه برای کارمند مرد وضعیت اقتصادی‌اش خوب است، اما برای زنان که می‌رسد وضعیت اقتصادی‌اش بد می‌شود. او افزود، نهادهای حامی رسانه‌ها باید تلاش و دادخواهی بیشتری برای از بین بردن تبعیض جنسیتی و بهتر شدن شرایط کاری بانوان خبرنگار انجام دهند. بانوان خبرنگار همواره از مشکلات‌شان از جامعه‌سنجی تا نبود امنیت شغلی و جانی حرف‌زده‌اند، اما به گفته‌ای خودشان کمتر برای برداشته شدن دشواری زنان روزنامه نگار در حوزه غرب فعالیت درخور توجهی انجام شده است.

حامی رسانه و مسوولان رسانه‌های و دولت نتایج این پژوهش را مطالعه نمایند و در راستای بهبود شرایط شغلی بانوان خبرنگار گام‌های عملی بردارند».

با این حال سمیه ولی‌زاده مسوول نهاد بانوان خبرنگار ابراز می‌دارد، براساس نتایج پژوهش ما، فرصت‌های کاری برای بانوان خبرنگار کمتر است و این واقعاً نگران کننده است».

ولی‌زاده علاوه کرد، در بین مصاحبه‌شونده‌های این پژوهش، زنانی وجود دارند که ۹ سال می‌شود به عنوان کارآموز و بدون کدام امتیازی برای رسانه کار می‌کند.

ولی‌زاده همچنان گفت: این مشکلات می‌تواند که حضور بانوان خبرنگار کم‌رنگ‌تر از گذشته بسازد.

از سوی هم بانوان خبرنگار می‌گویند که مشکلات بسیاری درون سازمانی و بیرون سازمانی فر راه زنان روزنامه‌نگار وجود دارد و با وجود

نتایج یک پژوهش نهاد بانوان خبرنگار نشان می‌دهد که زنان خبرنگار حوزه غرب از نبود امنیت شغلی نگران هستند.

در این پژوهش، نهاد بانوان خبرنگار با ۹۰ بانوی خبرنگار و فعال رسانه‌ای که به گونه رسمی و کار آموز در ۴۵ رسانه ولایات هرات، فراه، غور و بادغیس فعالیت دارند، مصاحبه نموده است. ملکه محمود زاده که این پژوهش را انجام داده است بیان می‌کند، این پژوهش روی وضعیت کاری بانوان خبرنگار حوزه غرب انجام شده است و در این پژوهش دریافت شده که بیشترین زنان در حوزه غرب به عنوان کارورز در رسانه‌ها فعالیت داشته‌اند.

محمود زاده افزود، همچنان نتایج پژوهش انجام شده نشان می‌دهد که ۳۷ درصد بانوان خبرنگار در مقابل کار با رسانه هیچ معاشی دریافت نمی‌کنند.

محمود زاده می‌گوید: «میدواریم که نهادهای

# تغییرات اقلیمی اثرات و پیامدهای آن بر منابع آب و محیط زیست



نویسنده: پوهاند عبدالرحیم (امید)

جدول زیر تولید محصولات غله‌ای و سبزیجات تفاله‌ای آنها در افغانستان

محصول	تولید به (KT)	نسبت تفاله / محصول	کسر / مواد خشک	کسر کاربن	نسبت N/C
گندم	۴۲۶۶	۱.۳	۰.۸۹	۰.۴۸۵۳	۰.۰۱۲
جو	۳۳۷	۱.۲	۰.۸۹	۰.۴۵۶۷	
جواری	۳۱۵۰	۱	۰.۴	۰.۴۷۰۹	۰.۰۰۲
برنج	۳۵۰	۱.۴	۰.۸۶	۰.۴۱۴۴	۰.۰۱۴
کچالو	۳۰۰	۰.۴	۰.۴۵	۰.۴۲۲۶	
چغندر (لیلو)	۵	۰.۲	۰.۱۵	۰.۴۰۷۲	

منبع: ADB and NEPA ۲۰۰۷: Afghanistan Green House Gas Inventory  
جدول زیر حریق مجموعی بایومس، انتشار کاربن و نایتروجن ناشی از حریق تفاله‌های محصولات غله‌ای

مجموع توده خشک حریق شده به گیگاگرام	۳۱۷۰.۶۷
مجموع کاربن رها شده به گیگاگرام	۱۵۱۰.۴۹
مجموع نایتروجن رها شده به گیگاگرام	۱۹.۴۱

منبع: ADB and NEPA, ۲۰۰۷: Afghanistan Green House Gas Inventory

جدول زیر انتشارات میتان ناشی از حریق تفاله‌های زراعتی در هوای آزاد

گازات	نسبت	انتشارات (گیگاگرام)
CH <sub>4</sub>	۰.۰۰۵	۱۰۰.۷
CO	۰.۰۰۶	۲۱۱.۴۷
NO <sub>2</sub>	۰.۰۰۷	۰.۰۲۱
NOX	۰.۰۲۱	۷.۷۲

منبع: ADB and NEPA, ۲۰۰۷: Afghanistan Green House Gas Inventory

آگانه مطالب در صفحه پنجم



جدول: کشت برنج و انتشارات میتان در افغانستان ۲۰۰۵

نوعیت آبیاری	کنگوری زمین که برنج کشت شده	ساحه برداشت حاصل به هکتار	انتشارات میتان / گیگاگرام
نوعیت جوی	آبیاری سطحی بطور مستمر	۲۵۰۰	۵.۰۰
نوعیت آب	آبیاری سطحی بطور دوره‌ای	۸۰۰۰۰	۸.۰۰
لمی	در معرض سیلاب	۲۰۰۰۰	۳.۲۰
	در معرض خشکسالی	۳۰۰۰۰	۲.۴۰
آب عمیق	عمق آب < ۱m	۱۵۰۰۰	۲.۴۰
	عمق آب < ۱m	۲۵۰۰۰	۳.۰۰
مجموع		۱۹۵.۰۰۰	۲۴.۰۰

منبع: ADB and NEPA ۲۰۰۷: Afghanistan Green House Gas Inventory

(ص ۵۰ / ۱)

حریق تفاله‌های زراعتی در هوای آزاد

مقدار زیادی تفاله‌های زراعتی از سیستم زراعتی افغانستان تولید می‌شود، برداشتن تفاله‌های زراعتی و سوختاندن آنها منجر به منبع انرژی یک امر معمول است. برخی از تفاله‌های زراعتی در خود محل حریق می‌گردند.

بعضی محصولات عمده غله تفاله‌های خشک آنها، نسبت N/C بخش‌های کاربن در جدول زیر نشان داده شده است. عوامل تولید محصولات غله‌ای و عوامل معیاری (default) تبدیلی در جهت تخمین تفاله‌های ناشی از آن در جدول زیر و انتشارات گاز میتان در جدول زیر نشان داده شده است.



جدول زیر نشان می‌دهد که انتشار مجموعی نایتروجن ناشی از حریق بایومس، 19.41 گیگا گرام است. مطابق جدول زیر انتشارات نایتروس اکساید NO<sub>2</sub> ناشی از حریق تفرقه‌های زراعتی دره‌های آزاد 0.021 گیگا گرام واز NO<sub>x</sub> در حدود 7.72 گیگا گرام می‌باشد. خاک‌های زراعتی منبع عمده نایتروس اکساید NO<sub>2</sub> است که انتشارات ناشی از استفاده از کود نایتروجن دار (F<sub>SN</sub>) واز طریق N fixing crops (FBN)-NO<sub>2</sub> به اتمسفرها می‌شود. این منابع در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول زیر انتشارمستقیم NO<sub>2</sub> از مزارع

منابع	مقدار (K T ) کودبه	انتشار مستقیم NO <sub>2</sub> -N/Yr به گیگاگرام
کود کیموای FsN	۱۸.۴	0.21
زباله حیوانی FAW	۴۴۱۸۰.۲۸	۲.۸
N-fixing crops ((FBN		
تفرقه‌های محصولات غله‌ای FCR	۳۸۴۴	۰.۴۹
مجموع		۳.۵۳

منبع: ADB and NEPA2007: Afghanistan Green House  
علاوه بر این انتشارات، نایتروس اکساید(NO<sub>2</sub>) نیز از طریق چراگاه بانالافی و علفزارها به اتمسفر رها می‌گردد.(AWMS) همچنان از خلع اتمسفری از مواد کیموای NO<sub>x</sub>, NH<sub>3</sub> نیز انتشارات غیر مستقیم صورت می‌گیرد. این انتشارات در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول زیر انتشارات NO<sub>2</sub> از جبه زار، چرش حیوانات، انتشارات NO<sub>2</sub> از دباغی به (گیگا گرام)

گیگا گرام	NO2 Emission
۵.۵۵	از کشت histosols
۹.۱۸	شستشو/ دباغی
۰.۴۷	رسوبات اتمسفری
۱۵.۲	مجموع

منبع: ADB and NEPA,2007: Afghanistan Green House  
Gas Inventory

انرژی

در تخمین انتشارات کاربن دای اکساید CO<sub>2</sub> از روش سکتوری در سکتورهای فرعی مختلف که از انرژی استفاده می‌نماید، انتشارات نایتروس اکساید NO<sub>2</sub> وجود داشته است. در مجموع ۰.۴۱۸۸ گیگا گرام از نایتروس اکساید NO<sub>2</sub> از کاربرد انرژی در افغانستان برای سال ۱۳۸۴ هـ ش تخمین گردیده است.

تغییر کار برد زمین و احداث جنگل  
تبدیل علفزار و جنگل

علاوه بر انتشار کاربن دای اکساید ناشی از حریق بایوماس و تجزیه پوسیدگی‌های طبیعی و هر آنچه برای انرژی حریق می‌گردد و تفرقه‌های زراعتی منابع انتشارات گازات مانند CH<sub>4</sub> CON و NO<sub>x</sub> می‌باشد. حجم مجموعی نایتروجن براساس نسبت کاربن تخمین می‌گردد نایتروس N<sub>2</sub>. تخمین شده ۰.۰۳ گیگا گرام می‌باشد.

گازهای دیگر

بررسی اداره ملی حفاظت محیط زیست و بانک انکشافی آسیایی در سال ۱۳۸۶ هـ ش ضمن موجودی گازهای گلخانه‌ای افغانستان جهت تخمین بعضی گازهای دیگر مانند گازهای SO<sub>2</sub>, NMVOC, CO, NO<sub>x</sub> و HFCs نیز تلاش نمود. سهم سکتوری این گازها در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول زیر تخمین‌های انتشارات سایرگازها برای سال ۲۰۰۶ به حساب (گیگاگرام)

سکتورها	NO <sub>x</sub>	CO	NMVOC	SO <sub>2</sub>	HFC
انرژی	۵۳.۹۱	۸۶۵.۲۰	۹۱.۲۰	۱۳.۶۸	
پروسه‌های صنعتی		۰.۰۱	۲۴۳.۱۱	۰.۱۸	۰.۰۵
زراعت	۷.۷۲	۲۱۱.۴۷			
تغییر استفاده از زمین و جنگل‌داری	۰.۹۵	۳۳.۵۷			
زباله‌ها					
مجموع ملی	۶۲.۵۸	۱۱۱۰.۲۵	۳۳۴.۳۰	۱۳.۸۶	۰.۰۵

منبع: ADB and NEPA ۲۰۰۷: Afghanistan Green House  
Gas Inventory

لکله مطلبی در صنعت پستی





# تغذیه در دوران حاملگی

تهیه کننده:  
دوکتورس شراره (صارم)  
ترینر متخصص نسایی و لاد

## چکیده:

یک رژیم غذایی سالم و مغذی در دوران حاملگی این اطمینان را به شما می‌دهد که کودک تان مواد غذایی مورد نیاز خود را دریافت می‌کند و بهترین آغاز را برای زندگی خود دارد. بهترین تغذیه دوران حاملگی یک برنامه متعادل است، که دارای میزان کافی از پروتئین، کاربوهایدریت اسیدهای چرب سالم، ویتامین و مواد معدنی باشد. بطور کلی رژیم غذایی در دوران حاملگی مانند برنامه غذایی در حالت عادی ویتامین، مواد معدنی و مواد مغذی دارد و تفاوتش در میزان آن است. یعنی در دوران حاملگی به میزان بیشتری از این مواد نیاز است.

## مقدمه:

غذا خوردن یکی از نیازهای اساسی افراد است و مهم‌ترین عامل بقای زنده‌گی و طول عمر آنها محسوب می‌شود. تغذیه صحیح منجر به سلامت جسم و روان، تأمین انرژی و حفظ سلامتی انساج بدن و بهبود عملکرد ارگانهای مختلف بدن می‌شود. تغذیه صحیح از ارکان اصلی زنده‌گی سالم به شمار می‌رود و در برخی از دوران‌های زنده‌گی از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی از حساس‌ترین و مهمترین دوران‌های زنده‌گی یک زن، دوران حاملگی است. مادران حامله به علت تغییرات هورمونی، متابولیسمی و فیزیکی نیازهای غذایی متفاوت دارند که بخشی از آن مربوط به نیازهای جنین و بخشی نیز مربوط به سایر تغییراتی است که جذب و متابولیسم مواد غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تغییرات به تضمین رشد و تکامل جنین و برآورده شدن نیازهای بعدی مادر و کودک کمک می‌کند.

هیچکس با شنیدن این جمله که رشد سالم جنین و نوزاد بسته‌گی به تغذیه مادر دارد و می‌تواند تحت تأثیر شیوه زنده‌گی او قرار گیرد، تعجب نمی‌کند. واضح است که اجزاء بدن در حال رشد جنین از مواد غذایی که مادر مصرف می‌کند یا از بدن خود مادر تشکیل می‌شود. بناءً تکامل اولیه هر فرد، از زمان لقاح شروع می‌شود و سلامت آینده فرد و خطر ابتلا به بیماری‌های خاص که ممکن است سال‌ها بعد از آنها رنج ببرد را رقم می‌زند. کمبود تغذیه‌ای شدید در مادر با اختلالات تکاملی مغز جنین ارتباط دارد. وزن تازه تولد به میزان قابل توجهی تحت تأثیر گرسنگی و کاهش دریافت کالری در اواخر حاملگی است.

## نیازهای تغذیه‌ای مادر حامله:

از زمان شروع حاملگی، تغذیه مادر عامل مهمی در رشد و فرایند سوخت و ساز در جنین در آینده محسوب می‌شود. مادران حامله باید به تغذیه متعادل از همه گروه‌های غذایی تشویق شده و بخصوص درباره نیاز خود نسبت به آهن، اسید فولیک، کلسیم و روی آگاهی داشته باشند. (۳) برای اینکه مطمئن شوید از تمام مواد غذایی به اندازه مناسب دریافت می‌کنید، باید رژیم غذایی سالم و متعادلی را رعایت کنید. برای دریافت تمام مواد مغذی، ضروری است که هر روز از گروه‌های غذایی متنوع و سالم میل کنید. در واقع تمام وعده‌ها باید دارای حداقل چهار گروه غذایی باشند، هر گروه غذایی، نیازهای از بدن را تأمین می‌کند برای مثال: غلات منبع غنی از انرژی هستند. میوه‌ها و سبزیجات سرشار از آنتی اکسیدان، فیبر و ویتامین‌های محلول در آب و چربی هستند. گوشت، خشکبار و حبوبات منابع خوب پروتئین فولات و آهن هستند.

محصولات لبنی منابع غنی از کلسیم و ویتامین D هستند. (۴)

تغذیه سالم مادر نقش مهمی در رشد و تکامل جنین در حیات داخل رحمی ایجاب می‌کند. کمبود تغذیه‌ای شدید در مادر با اختلالات تکاملی مغز جنین ارتباط دارد. وزن تولد به میزان قابل توجهی تحت تأثیر گرسنگی و کاهش دریافت کالری در اواخر حاملگی است. در صورت ایجاد محرومیت تغذیه‌ای در اوائل حاملگی، میزان بروز چاقی در زنان بالغ افزایش می‌یابد و همچنین این محرومیت با افزایش انومالی‌ها و اختلالات شخصیتی مرتبط است (برنامهریزی جنینی و سلامت جنین با عوارض و مرگ و میر بزرگ سالی مرتبط است). جنین‌های که در میانه تا اواخر حاملگی تحت تأثیر محرومیت شدید تغذیه‌ای مادر قرار گرفته‌اند، هنگام تولد سبک‌تر و کوتاه‌تر و لاغرتر خواهند بود و متعاقباً در آینده میزان بروز اختلال تحمل گلوکز، فشار بلند، مشکلات تنفسی، اختلال در میزان چربی خون و بیماری شریان کرونری قلب در آنها بالاتر خواهد بود. (۱)

**پروتئین:** نیاز زن حامله به پروتئین برابر به یک گرم به ازای هر کیلوگرم وزن بدن در روز است. همچنین در نیمه دوم حاملگی ۲ گرم در روز به این میزان اضافه می‌شود (برای زن با وزن متوسط ۶۰ تا ۸۰ گرم در روز). مصرف پروتئین برای رشد جنین ضروری می‌باشد. (۳)

قسمت اعظم پروتئین مورد نیاز باید از منابع حیوانی مثل گوشت، شیر، تخم مرغ، پنیر، گوشت پرندگان و ماهی تأمین شود چرا که این مواد حاوی غلظت کافی امینو اسیدها هستند. سویا نیز منبع خوب پروتئین است. (۴)

## ادامه مطلب در صفحه بعدی



### ادامه مطلب ...

**کالری:** بنابه توصیه کالج زنان و زایمان امریکا و اکادمی کودکان ۲۰۱۲ میزان کالری روزانه ۱۰۰۰-۳۰۰ کیلوکالری در روز طی حاملگی باید افزایش یابد. کالری جهت تأمین انرژی ضروری است و هنگامیکه دریافت کالری ناکافی باشد پروتئین بیش از آنکه صرف نقش حیاتی‌اش در رشد و تکامل جنین شود، متابولیزه می‌شود. (۱)

### مواد معدنی:

**آهن:** طبق توصیه اکادمی ملی علوم و کالج زنان و زایمان امریکا باید حداقل ۲۷ میلی‌گرم آهن فروس مکمل بصورت روزانه به یک زن حامله برسد. این مقدار در اکثر ویتامین‌های پره تال وجود دارد.

حداقل ۳۰ میلی‌گرم آهن بصورت روزانه و در نیمه دوم حاملگی جهت تأمین آهن کافی برای بر آورده ساختن نیازهای حاملگی و حفظ ذخایر آهن لازم است. این مقدار همچنین برای تأمین نیازهای آهن در دوران شیر دهی کفایت می‌کند. در مواردی چون چته بزرگ مادر، حاملگی چند قلو و سطوح پایین همو گلوبین از دریافت ۱۰۰-۶۰ میلی‌گرم آهن در روز سود می‌برند. (۱) باید توجه داشت که ویتامین ث جذب آهن را بیشتر می‌کند اما مصرف چای همراه یا بالا فاصله بعد از غذا می‌تواند جذب آهن را تا ۵۰ درصد کاهش دهد. مواد غذایی شامل چکر، گوشت سرخ، زرده تخم مرغ، سبزیجات دارای برگ‌های سبز تیره و پهن مثل اسفناج، حبوبات و میوه‌های خشک و دانه‌های روغنی بهترین منابع خوراکی دارای آهن هستند. (۲)

### کلسیم:

میزان کلسیم مورد نیاز یک زن حامله و شیر ده ۱۲۰۰ میلی‌گرم در روز است. کمبود کلسیم در غذا بصورت کلسیم کمتر از ۶۰۰ میلی‌گرم در روز تعریف شده و سبب کاهش تراکم استخوان مادر می‌گردد. (۳) عدم دریافت کلسیم کافی در دوران حاملگی علاوه بر عواقب منفی که می‌تواند در رشد جنین داشته باشد، ممکن است مادر را در معرض خطر ابتلا به پوکی استخوان قرار دهد. منابع غذایی حاوی کلسیم عبارتند از شیر و سایر لبنیات، شیر و پنیر سویا، بادام، انجیر خشک، کلم بروکلی، و سایر سبزیجات برگ سبز، مالت، جو و خرما می‌باشد. برخی از مواد باعث اختلال در جذب کلسیم در بدن می‌شوند، برای مثال نمک، چای، قهوه و نان‌های بدون خمیر مایه سبب کاهش جذب کلسیم می‌شوند. (۴)

**روی یا زینک:** کمبود شدید روی ممکن است منجر به کاهش اشتها، رشد کمتر از حد نارمل و اختلال التیام زخم گردد. مقدار توصیه شده روی حدود ۱۲ میلی‌گرم است. در مطالعات که انجام شده تجویز مکمل روی وزن تولد را بهبود بخشیده و خطر بروز اسپهال حاد و زرد زخم را در نوزادان کاهش می‌دهد. (۱) منابع غذایی سرشار از روی عبارتند از گوشت گوساله و گوشت مرغ (برای جذب حداکثر مواد مغذی آنها گوشت گوساله جوان بدون چربی و

مرغ بدون پوست استفاده کنید) حبوبات، سبزیجات، غلات بخصوص جو، شیر و لبنیات. تخم مرغ و آجیل و مغزها می‌باشند. (۲)

### ویتامین‌ها:

نیاز به اکثر ویتامین‌ها طی حاملگی معمولاً توسط یک رژیم معمولی حاوی کالری و پروتئین کافی تأمین می‌شود. به جز اسید فولیک که در مواردی چون استفراغات حاملگی و یا حاملگی چند قلوئی، نیاز به آن بصورت غیر معمول بالا می‌رود. در کشورهای فقیر تجویز روئین مکمل ملتی و ویتامین ب۱۲، وزن کم تولد و جنین‌های با رشد محدود را کاهش می‌دهد.

### اسید فولیک

بر اساس توصیه مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها، با دریافت روزانه ۴۰۰ میکروگرم اسید فولیک در سر تا سر سه ماهه اول می‌توان از بیش از نیمی از موارد نقایص لوله عصبی جلوگیری نمود. از آنجا که منابع غذایی به تنهایی جهت تأمین اسید فولیک کافی نیستند، مکمل اسید فولیک توصیه می‌شود. زنی که سابقه تولد یک نوزاد با نقص لوله عصبی داشته با مصرف روزانه ۴ میلی‌گرم اسید فولیک یک ماه قبل از حاملگی و در سر تا سر سه ماهه اول می‌تواند خطر عود را تا بیش از ۷۰ درصد کاهش دهد.

### ویتامین A



مقدار زیاد ویتامین A (بیشتر از ۱۰۰۰۰ IU در روز) در حاملگی موجب آثار سوء روی جنین می‌شود. کمبود ویتامین A یکی از مشکلات شایع کشورهای در حال توسعه است. حدود ۶ میلیون زن حامله از شب کوری ناشی از کمبود ویتامین A رنج می‌برند. کمبود واضح ویتامین A موجب شب کوری می‌شود و همچنین با افزایش خطر ولادت قبل از وقت خود بخودی همراه است.

### ویتامین B۱۲

سطوح ویتامین B۱۲ در پلاسماهای مادر در حاملگی طبیعی در نتیجه کاهش پروتئین‌های حامل آن در پلاسما کاهش می‌آید. ویتامین B۱۲ فقط در غذاهای با منشأ حیوانی وجود دارد. مصرف مقادیر بیش از حد ویتامین C نیز می‌تواند منجر به کمبود عملکردی این ویتامین گردد. سطوح پائین ویتامین B۱۲ نیز قبل از حاملگی شبیه فولیک اسید، ممکن است خطر نقایص لوله عصبی را افزایش دهد.

### ویتامین D

این ویتامین محلول در چربی است و با قرار گرفتن در معرض نور خورشید در بدن ساخته می‌شود. کمبود

ویتامین D در حاملگی شایع است. کمبود آن منجر به ایجاد ناهنجاری‌های اسکلتی، ریکتز و شکستگی‌ها در نوزاد می‌گردد. توصیه کالج متخصصان زنان و زایمان امریکا (۲۰۱۱) به مصرف روزانه ۱۵ میکروگرم در دوران حاملگی و شیر دهی است. در زنانی که مشکوک به کمبود این ویتامین هستند سنجش میزان (OH) vit D کمک کننده است. (۱)

### اسیدهای چرب غیر اشباع

میزان شیوع افسرده گی دوران حاملگی و پس از ولادت بین ۱۰-۴۰ درصد در تمام دنیا متغیر است. علاوه بر استعداد ژنتیکی، عوامل محیطی و اجتماعی و روان شناختی، تغذیه ناکافی هم می‌تواند در افسرده گی مادر نقش داشته باشد. دریافت اسیدهای چرب غیر اشباع به ویژه اسیدهای چرب امگا ۳ با پیامدهای سلامت روان مرتبط بوده‌اند و دریافت بیشتر آنها سلامت روان مادر را می‌تواند بهبود بخشد. سطح اسیدهای چرب امگا ۳ در حاملگی کاهش می‌آید و با تجویز مکمل‌ها می‌توان آنرا بهبود داد. امگا ۳ در طول حاملگی برای تکامل مغز و بینایی جنین لازم است. مطالعات مشاهده‌ای مبین آنست که مصرف روغن ماهی (منبع اسید چرب امگا ۳) در حاملگی می‌تواند حدت بینایی، درک لغات و بهره هوش کلامی فرزندان را از نوزادی تا ۹ سالگی بهبود بخشد. (۲)

### نتیجه‌گیری

توجه به تغییرات و تنظیم یک برنامه غذایی متناسب با آن در دوران حاملگی ضروری به نظر می‌رسد. هرچه رژیم غذایی مادر کامل‌تر و مناسب‌تر باشد کودک بهتر رشد خواهد کرد. البته کمبود غذایی مادر در حد خفیف اثر چندانی بر رشد کودک ندارد زیرا کودک نیازش را از ذخایر بدن مادر تأمین می‌کند. پس این مادر است که در درجه اول لطمه می‌بیند، ازین رو مادران حامله باید هم برای حفظ سلامت کودکشان و هم خودشان توجه زیادی به امر تغذیه داشته باشند.

### منابع

- 1- F Gary Cunningham MD, Kenneth J. Leveno MD, Jodi S Dash.MD, et. als eds. Williams 's OBSTETRICS 5 th Edition , volume1,chapter 9,page(200-207).
- 2- Rozbeh. Nasebah, Alimoradey. Zaynab, Kazemi .Fredah, B.Y. et. als eds. Comprehensive Guideline toward healthy nutrition during pregnancy andbreastfeeding, 2016, chepters5,page(31-67).
- 3- John.A.Rock, Howad. et. als eds .Current 's Obstetrics and Gynecology 11th Edition, (2016) Tehran Nordanish. Volume1,section6 , pages (194-196)
- 4- Medscape , https://www.hopkinsmedicine.org





# گشایش نمایشگاه آثار دوره تیموریان در هرات

گزارشگر: فیهما اکبری

توجه مردم و دولت به هنر به شدت کم رنگ است و اگر این بی‌مهری‌ها ادامه پیدا کند، ممکن است که هنرمندان را نسبت به کارشان دل‌سرد سازد. وی ابراز داشت، شعار دادن را نمی‌شود حمایت گفت، بلکه دولت باید برای رشد و شکوفا شدن استعدادها هنری گام‌های عملی بردارد. با این حال، استاد عبدالجلیل توانا از خوشنویسان نام‌دار در هرات با آنکه برگزاری این نمایشگاه‌ها را برای معرفی هنرها و صنایع دستی و آثار هنری مهم می‌دانند، اما ابراز می‌دارد که نظر به فعالیت و زحمت هنرمندان، حمایت دولت درخور توجه نبوده است. آقای توانا می‌گوید: "دولت با برگزاری نمایشگاه‌های بیشتر داخلی و خارجی از یکطرف زمینه گسترش ارتباطات را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر هنر و فرهنگ کشور را به جهان‌پایان معرفی می‌کند. گفتنی است که دیروز همایش بازخوانی اندیشه‌های امیر علی شیرتوایی با اشتراک سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، شماری از اعضای کابینه و نماینده‌گان خارجی در هرات آغاز شد.

با این حال، شماری از غرقه‌داران این نمایشگاه بیان می‌دارند که این روزها صنایع دستی و هنری در کشور بازار گرمی ندارد و خوب است که دولت زمینه بازاریابی این محصولات را در خارج از کشور فراهم سازد. محمد ظاهر درویشی از تولیدکننده‌گان صنعت قالین در هرات می‌گوید: "چندین سال است که به صنعت قالین بافی در کشور توجه آنچنانی نشده است، این صنعت در بازارهای داخلی خریداری ندارد و زمینه این فراهم نشده که تولیدکننده‌گان این صنعت محصولاتشان در بازارهای بین‌المللی به فروش برسانند. وی افزود، در سال گذشته که به دلیل شیوع کرونا میزان صادرات به ۵۰ درصد کاهش یافت و امیدواریم که در سال پیش رو بتوانیم که صادرات بیشتری داشته باشیم. فرزانه احمدی یکی از نقاشان هرات در این نمایشگاه صنایع دستی‌اش را به نمایش گذاشته است وی که ۶ سال است به هنر نقاشی روی آورده چنین بیان می‌دارد،



به مناسبت از پانصد و هشتادمین سالروز تولد امیر علی شیرتوایی نمایشگاهی تحت نام آثار دوره تیموریان در ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات گشایش یافت. این نمایشگاه (پنج‌شنبه، ۱۹ حمل) در صحن ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات گشایش و صنایع دستی مانند، قالین‌های دستی، موسیقی محلی، صنعت ابریشم و آثار نقاشی و خطاطی در ۳۰ غرفه در معرض دید عموم قرار گرفت. محمد ظاهر زهیر سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ هرات که در این نمایشگاه حضور داشت برای حمایت صنایع دستی و هنری کشور تعهد سپرد. سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ بیان داشت که، حکومت افغانستان توان خریداری صنایع دستی و هنری کشور را در تمام زمینه‌ها ندارد و اوضاع نامساعد امنیتی نیز مانع حضور گردشگران بیشتر در کشور می‌شود.





## نمایشگاه عکاسی با نام حضور معنا دار زنان در روند صلح در هرات برگزار شد

نادیده گرفته شود. بهشته عزیز از زنان خبرنگار در هرات اظهار داشت، زنان افغانستان به ویژه زنان خبرنگار تا همین حالا مشکلات زیادی را متحمل شدند و مبارزه بسیاری کردند که بلکه توانسته باشند، گوشه‌ی از مشکلات مردم را حل کنند، اما طوریکه دیده می‌شود در گفتگوهای صلح سهم زنان افغانستان کم‌رنگ است و این برای ما نگران کننده است. از جامعه جهانی و زنان افغانستان می‌خواهیم که برای حمایت بیشتر زنان تلاش کنند و در مقابل معامله حقوق زنان سکوت را کنار بگذارند.



قرار بود که به تاریخ ۲۴ اپریل سال روان گفتگوهای بین‌افغانی در استانبول ترکیه برگزار شود، اما به دلیل موافق نبودن طالبان برگزاری این گفتگوها بعد از ماه رمضان به تویق افتاد.

دهه گذشته هستند و من هم به عنوان خبرنگار نمی‌خواهم که این دست‌آورها معامله شود. با این حال ملکه محمود زاده از بانوان عکاس است که در این نمایشگاه، نگاره‌های از فعالیت زنان افغان را به تصویر کشیده است.

ملکه بیان می‌کند، زنان در دو دهه گذشته قربانی‌های زیادی برای وارد شدن در اجتماع



دادند. تصاویر به نمایش گذاشته شده امروز نیز بیانگر این واقعیت است، نباید این قربانی‌های زنان برای منافع عده‌ی مورد معامله قرار گیرد. وی افزود، نمی‌خواهیم که شرایط بیش از این برای فعالیت خبرنگاران به ویژه زنان تنگ‌تر شود، بلکه باید حضور زنان برای نماینده‌گی و حمایت واقعی زنان پر رنگ باشد.

از سوی هم شماری از بانوان خبرنگار در هرات نیز تأکید دارند که زنان با مشکلاتی زیادی دست و پنجه نرم کردند تا بتوانند فعالیتی در اجتماع داشته باشند و این فعالیت زنان نباید



در این نمایشگاه، دست‌آوردهای زنان افغان در دو دهه گذشته طی ۴۰ قطعه عکس به نمایش گذشته شد.

تصاویر این نمایشگاه توسط چهار عکاس خبرنگار هرات، نگاره برداری شده است. عکاسان اشتراک کننده این نمایشگاه می‌گویند که امیدواریم که این تصاویر بتواند نشان دهنده تلاش زنان در عرصه اجتماعی را به خوبی بیان کند و باعث شود که دست‌آوردهای زنان در پروسه‌ی صلح نادیده گرفته نشود.

عارف کریمی عکاس خبرنگار که ده قطعه عکس از فعالیت‌های اجتماعی زنان در این نمایشگاه در معرض دید قرار داده است بیان می‌کند، از دغدغه‌های امروز زنان در افغانستان حضور کم‌رنگ در میز گفتگوهای صلح و نگرانی از آینده زنان است، این نمایشگاه تلاش زنان افغانستان برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در ۲۰ سال پسین به تصویر کشیده است.

کریمی بیان می‌کند، همه مردم افغانستان به ویژه خبرنگاران خواهان حفظ دست‌آوردهای دو

# ارتباطات بومی مفهوم به حاشیه رانده شده در ادبیات توسعه



نویسنده: فریبا کبری

بعدها این مفهوم با باری از توری‌ها و الگوی‌های کشورهای توسعه یافته و صنعتی برای توسعه کشورهای جهان سوم (در حال توسعه) سرازیر شد.

توسعه نیز مانند بسیاری از مفاهیم دیگر علوم اجتماعی تعریفی که مورد پذیرش بیشتر پژوهش‌گران و دانشمندان این حوزه باشد ندارد، اما بیشتر به کشورهای توسعه یافته گفته می‌شود که در آمد سرانه‌ی بالا، امید به زندگی و دسترسی به آموزش و امکانات برای همه شهروندان برابر باشد.

کشورهای شمال یا توسعه یافته، تلاش کردند که با استفاده از الگوهای که آنها به توسعه دست یافتند، کشورهای در حال توسعه را نیز راهنمایی و یاری کنند، اما این الگوها نه تنها برای این کشورها سازگار نبود و به موفقیت نینجامید، بلکه ازدیاد فقر، بیکاری و میزان بالایی خشونت را نیز به همراه داشت. پارادایم توسعه با سوگیری‌های که داشت روند توسعه در کشورهای در حال توسعه را به شکست مواجه ساخت.

ادامه مطلب در صفحه بعدی



تفریح و... می‌تواند برای شناسایی محیط پیرامون خودی کمک کرده و منجر به توسعه شود. اما در ادبیات توسعه به پدیده ارتباطات بومی و استفاده از دانش بومی توجه کمتری شده است.

جوامع ارگانیک و غیر ارگانیک از نظر دورکیم بیشتر از نظر تقسیم کار و تنوع از همدیگر متمایز می‌شوند. اجتماعی که در آن تقسیم کار پیشرفته و تنوع به وفور دیده شود، ارگانیک و اجتماعی که برعکس آن باشد، جوامع میکانیک یا غیر ارگانیک گفته می‌شود. این تقسیم‌بندی رابطه مستقیمی با ارتباطات دارد. هر قدر ارتباطات گسترده شود به همان اندازه تنوع و کثرت‌گرایی بیشتر بوجود آمده و توسعه را با خود به همراه دارد و اگر ارتباطات کاهش پیدا کند، فضا برای کثرت‌گرایی تنگ شده و جامعه از توسعه عقب می‌مانند. این مهم را نباید نادیده گرفت که اجتماع باید بتواند با کانال‌های ارتباطی احساس خودی کند و برای رسیدن به توسعه همدلی وجود داشته باشد.

اگرچه اولین بار که توسعه برای بازسازی اروپا مطرح شد اما

وسیع شدن دایره توسعه همواره در جوامع بشری سهولت و چاره‌سجی را به دنبال داشته و جلو تکنظری و تصمیم‌گیری‌های مسلط را گرفته است. تبادل دانش و تجربه در فعالیت‌های گروهی باعث شد انسان قدم به کره ماه بگذارد، مفهوم زمان و مکان را تغییر دهد و جهان را به دهکده تبدیل سازد. این وارد شدن به دهکده جهانی و توسعه‌یافتگی برای همه‌ی جوامع یکسان نبوده است. در بیشتر جوامعی که شناخت خودی را تکمیل و گستردگی ارتباطات میان محلی را پشت سر گذاشته‌اند، رسیدن به توسعه و انطباق با دهکده‌ی جهان چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. اما عکس آن، جوامع که هنوز غیر ارگانیک هستند و هنوز به شناخت خودی دست نیافتند، رسیدن به توسعه و هماهنگی با دهکده جهانی آسان نیست.

در ادبیات توسعه مفهوم ارتباطات بومی و اشتراک فعال مردم برای رسیدن به توسعه، کمتر مورد توجه قرار گرفته در حالیکه کانال‌های ارتباطات بومی به دلیل ایجاد همدلی و مورد پذیرش بودن تأثیر بسزایی جهت اشتراک مردم در توسعه دارد. مراسم مذهبی، جشن‌های سنتی، دوره‌می‌ها مانند شورای‌های محلی، دادوستد جنس،

یکی از الگوهای جهانی که برای توسعه کشورهای جهان سوم مطرح شد، استفاده از رسانه‌های جمعی بود. "دانیل لرنر" در کتابی به نام "گذر از جامعه سنتی" مطرح می‌کند که رسانه‌ها عامل و شاخص توسعه کشورهای جهان سوم است. در حقیقت وی به تغییر نگرش فرد از طریق رسانه‌ها معتقد بود. به گفته لرنر جامعه‌ای که می‌خواهد به توسعه برسد، فرد باید در معرض رسانه قرار گیرد و نگرش وی تغییر کند. این فرد از سنت گذر و به سوی توسعه حرکت می‌کند. این نظریه لرنر بعدها توسط دانشمندانی دیگر علوم اجتماعی مانند کارل راجرز به دلیل عدم کارایی و سوگیری‌های روان‌شناختی مورد انتقاد قرار گرفت.

سریواس آر و ملکات ولزلی اسپتوز در کتابی تحت نام ارتباطات توسعه در جهان سوم به نقد الگوی‌های ارتباطات برای توسعه می‌پردازد. این پژوهش‌گران با اشاره به سوگیری‌های این الگوها برای کشورهای در حال توسعه می‌گویند، این رهیافت‌ها در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف از جمله عدم توجه به اشتراک مردم و ارتباطات بومی و پیروی از ساختار عمودی ارتباطات کارایی نداشته است.

به نظر نویسنده این مقاله و با توسل به نظریه‌های علوم اجتماعی رسانه و توسعه در جوامع در حال توسعه این رهیافت‌ها قابل تأمل است. اول اینکه کشورهای توسعه یافته تولیدکننده‌گان اصلی رسانه‌ها و تکنولوژی‌اند و جوامع رو به توسعه فقط مصرف‌کننده‌گان این وسایل می‌باشند. به دلیل اینکه این رسانه‌ها با تجربه کشورهای توسعه نیافته هماهنگی ندارد، بنابراین مردم کشورهای در حال توسعه با آن حس بیگانگی کرده و امکان ایستادگی در مقابل محتویات رسانه بوجود می‌آید. مخالفت و ایستادگی نیز در جامعه تنش و خشونت را بیار می‌آورد که خود نیز یک پدیده ضد توسعه است.

**دوم:** الگوهای ارتباطی که در کشورهای رو به توسعه استفاده می‌شود به طور معمول تجربه و تاریخ کشور مورد نظر برای اعمال نظریه‌های ارتباطات توسعه نادیده می‌گیرد و بیشتر از طریق کانال‌های ارتباطات جمعی نوین تزیق می‌شود. این الگوها سنت این کشورهای رو به توسعه به عنوان یک مانع توسعه پنداشته می‌شود. در حالیکه بدون توجه به گذشته، تجربه و فرهنگ یک کشور و مطالعه دقیق آن نمی‌توان الگوهای توسعه را در یک جامعه پیاده کرد.

**سوم:** در نظریه‌های ارتباطات توسعه بیشتر به دانش کشورهای توسعه یافته اکتفا شده. یعنی اینکه بیشتر پیام‌های رسانه‌ای آن مفهوم و راه‌های رسیدن به توسعه را تداعی می‌کنند که برگرفته از کشورهای توسعه یافته و صنعتی است. پر واضح است در صورت عدم مدنظر گرفتن دانش این کشورها و تنها سرازیر کردن دانش کشورهای جهان سوم، پاسخی خوبی برای توسعه نخواهد داد.

چهارم اینکه پس‌زدن ارتباطات بومی در معادلات توسعه در کنار اینکه کمکی به توسعه یک جامعه نمی‌کند، تنش‌زا نیز است. اگر دانش و تجربه از پیش تعیین شده ارتباطات توسعه به طوری که از قداست درستی برخوردار است انعکاس داده نشود، بلکه روند تبادل طبیعی خود را بپیمایند نه تنها به کثرت‌گرایی در جهان کمک خواهد کرد، بلکه توسعه را نیز به دنبال خواهد داشت. اما این پدیده در رسانه‌ها کمتر قابل دید است. نباید به دانش و ارتباطات بومی پشت پا زد. بلکه روش‌های نوین ارتباطات با روش‌های سنتی آن زمانی که یکجا شوند، نتایج مثبتی در پی دارد.

**چهارم:** مالکیت رسانه‌ها در جامعه‌ای به دست عده محدود افرادی است که از قدرت آب می‌خورد و این قدرت نیز وابستگی مهمی به ثروت دارد. این افراد محدود عموماً در شهرها زندگی می‌کنند یا هم ارتباط چندان با روستاها ندارند. در این صورت، بیشتر منافع و الگوهای را برای مردم خوب توصیف می‌کند که منافع خودشان مطرح باشد. این پدیده شکاف میان شهر و روستا را بیشتر کرده که باز هم به ارتباطات صدمه می‌زند و اگر ارتباطات صدمه ببینند روند تبادل دانش و تجربه در اجتماع کم‌رنگ می‌شود. جوامع شکل می‌کنند که به خود می‌گیرد و حتی انزوای را نیز به میان خواهد آورد و بالاخره به ظهور تنش‌ها و کند شدن ماشین توسعه خواهد انجامید. مردم روستا از یک طرف به دلیل ضعف اقتصادی کمتر به وسایل ارتباطات نوین دسترسی دارند و اگر دسترسی هم داشته باشند، با محتوای پیام‌های رسانه‌ای احساس خودی ندارند، بنابراین به پیام‌ها و الگوها هم که برای توسعه مطرح کند، توجهی نمی‌کنند.

کشورهای در حال توسعه ابتدا باید به شناخت خودی دست پیدا کنند. این جوامع باید با استفاده از کانال‌های محلی اجتماع پیرامون خود را بشناسند. از حالت میکانیکی بیرون شوند، ارتباطات‌شان را گسترش دهند. براساس منافع مشترک‌شان تقسیم کار کرده و به جامعه از گانیک برسند.

زمانیکه کشورهای در حال توسعه دهه‌های پا گذاشتن به ارتباطات نوین و اختراع وسایل ارتباطی را می‌پیمود. تازه ما نورستان را شناختیم. آن هم به کمک تنش نه سازش. این نشان می‌دهد که اشتراک‌گذاری تجربه و دانش در کشور ما بسیار کم‌رنگ بوده. این یعنی محو بودن ارتباطات حتی از نوع بین خودی آن. رد و بدل کردن کمتر دانش باعث شده که ما حتی شناخت از جامعه پیرامون خود نداشته باشیم و همدلی و پذیرش که تفاهم و صلح را بوجود می‌آورد در پایین‌ترین سطح ممکن قرار داشته باشد. حالا فرض کنید که چنین جامعه به یک باره‌گی وارد دهکده‌ی جهانی شود، آن هم بدون طرد ارتباطات سنتی و تجربه تاریخی. تصور می‌شود به جای اینکه از آن برای رسیدن به توسعه استفاده کند، ابتدا هیجان زده شده و بعد در مقابل آن ایستادگی می‌کند.

سخن آخر اینکه پدیده جهانی شدن چه بخواهیم یا نخواهیم ما را درگیر خود کرده است. الگوهای بسیاری نیز برای رشد کشورهای در حال توسعه برای پیشرفت جهانی شدن مطرح شد. اما کم جهان فهمیده که نمی‌توان با کنار زدن مطلق سنت و مراجعه به الگوهای از پیش تعیین شده و کاربردی برای کشورهای اروپایی و توسعه یافته کشورهای دیگر را دگرگون کرد. بعدها بحثی به نام ارتباطات حامی توسعه مطرح شد. این الگو عکس ارتباطات توسعه، نقش فعال مردم در روند توسعه را مورد توجه قرار داده است. رهیافت استفاده از کانال‌های ارتباطات بومی را نیز برای توسعه کشورهای مهم دانسته تأکید بر سهم‌دهی بیشتر مردم دارد.

بنابراین روش اول این است که کانال‌های ارتباطات محلی برای سوق دادن اجتماع به سوی توسعه باید مورد توجه قرار گیرد و نظر به دلایل بالا همدلی و پذیرش اطلاعات در این کانال‌ها بیشتر است. اما نباید کانال‌های ارتباطات نوین را نادیده بگیریم. رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی در کنار استفاده از الگوی ارتباطات حامی توسعه در نشر و پخش پیام‌ها سهم‌گیری مردم، تجربه و دانش بومی را مدنظر قرار دهد. همچنان رسانه‌ها وظیفه دارد که با اشتراک گذاشتن این دانش زمینه شناخت محیط پیرامون و خودی را بین مردم مساعد سازد. زمینه همدلی را فراهم و جامعه را به حالت ارگانیک تبدیل کند. در این صورت است که تنش‌ها کمتر و زمینه برای توسعه بیشتر می‌شود.



# گشایش نمایشگاه صنایع دستی "بهار بازار" در هرات



شماری از زنان هرات فرآورده‌های دستی‌شان را طی یک نمایشگاه در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دادند. این نمایشگاه سه‌شنبه، ۱۷ حمل گشایش یافت، در آن صنایع دستی زنان مانند کیف، لباس، وسایل تزئینی و مواد غذایی در ۳۰ غرفه به نمایش گذاشته شد. رومینا عثمانی رییس اتاق‌های تجارت و صنایع زنان در هرات می‌گوید: "ما نمایشگاه دائمی برای فروش صنایع دستی زنان در زون غرب نداریم، و این نمایشگاه‌های موقتی تنها دریچه‌ای است که زنان تولیدات دستی‌شان را برای فروش به نمایش بگذارند." خانم عثمانی افزود، مقام‌های محلی برای ما وعده سپردند که نمایشگاه‌های دائمی را فروش صنایع دستی زنان ایجاد می‌کنیم، اما این وعده تا به حال عملی نشده است. رییس اتاق‌های تجارت و صنایع زنان بیان داشت، در سال گذشته نیز ۱۵ نمایشگاه در ولایات مختلف

برگزار شده بود و بانوان تجارت پیشه هرات در آنها اشتراک داشتند و در صورتیکه شرایط مساعد باشد، در سال جاری نیز نمایشگاه‌های تولیدات دستی زنان را خواهیم داشت. از سوی هم شماری از این زنان که تولیدات دستی‌شان را به نمایش گذاشتند بیان می‌دارند که برگزاری این نمایشگاه‌ها به فروش محصولات‌شان کمک می‌کند، اما اگر برای فروش صنایع دستی زنان نمایشگاه دائمی ایجاد شود، فروش این محصولات نیز بیشتر خواهد بود. لیلا شریفی یک تن از زنان تجارت پیشه در هرات که در این نمایشگاه غرفه دارد، ابراز می‌دارد: "زنان تجارت پیشه مشکلات زیادی دارند که بسا از این مشکلات از سوی حکومت نادیده گرفته می‌شود و همین نادیده گرفته شدن باعث دلسردی زنان تجارت پیشه می‌شود." لیلا گفت: انجام فعالیت بیرون از خانه برای زنان به دلیل ممانعت‌های اجتماعی دشوار است و زمانی که با کمبود امکانات و نبود حمایت دولت همراه

شود، این فعالیت‌ها به مراتب سخت‌تر می‌شود. فاطمه از زنان دیگری است که یخن و کیف‌های دست‌دوزی‌اش را در این نمایشگاه در معرض دید مردم قرار داده است، وی نبود نمایشگاه دائمی برای فروش صنایع دستی زنان از مشکلات عمده قلمداد کرده و از دولت خواهان ایجاد سهولت برای بانوان تجارت پیشه است. او می‌گوید: "قبل از شیوع کرونا صنایع دستی ما فروش بیشتر داشت، اما حالا فروشات ما نسبت به گذشته کمتر شده است. از سوی هم اداره محلی هرات می‌گوید که قرار است نمایشگاه دائمی برای سکور خصوصی هرات افتتاح شود. جیلانی فرهاد سخنگوی والی هرات بیان می‌دارد که این نمایشگاه در ناحیه هشتم شهر هرات ایجاد می‌شود، و زمینه بازاریابی بسیاری از تولیدات داخلی به شمول صنایع دستی زنان برابر خواهد شد. قابل یادآوری است که این نمایشگاه برای سه روز به روی بازدیدکنندگان باز بود.





جدول ارزیابی آسیب پذیری سکورها و سکورهای فرعی

شاخص آسیب پذیری	شاخص آسیب پذیری سکور فرعی	پارامترهای اقلیمی و ناشی از اقلیم				درجه اجتماعی-اقتصادی	سکور فرعی	سکور
		Drought	Prep-Change-	EVapo Transp-Salinity	افزایش درجه حرارت			
-۲۳۸.۸	-۹۰	-۷	-۱	-۴	-۳	۶	تولید برق آبی	منابع انرژی
	-۹۵.۲	-۷	-۷	-۲	-۱	۵.۶	آب زیرزمین	
	-۱۵۳.۶	-۸	-۳	-۷	-۶	۶.۴	آب سطح زمین	
در	-۱۲۸	-۸	-۳	-۷	۲	۸	تولید گندم و برنج	زراعت
	-۷۰.۴	-۷	-۲	-۴	۲	۶.۴	تولید محصولات	
	-۶۴	-۶	۱	-۳	-۲	۶.۴	پرورش مواشی	
	-۲۳.۴	-۵	-۱	-۴	۱	۲.۶	ماهی پروری	
-۲۲۳.۴	-۹۶.۶	-۹	-۳	-۶	-۳	۴.۶	صحراگرایی و فرسایش خاک	جنگلداری و چراگاه
	-۸۸.۲	-۵	-۳	-۷	-۳	۶.۳	جنگل و تولیدات چوب	
	-۱۳۸.۶	-۸	-۳	-۶	-۴	۶.۳	علفزار و علوفه	
-۱۷۸.۶	-۶۶.۳	-۸	۱	-۶	-۴	۳.۹	جهیل و تالابها	تنوع بیولوژیکی
	-۹۳.۱	-۶	-۳	-۶	-۴	۴.۹	حیات وحش و میراث	
	-۱۹.۲	-۶	-۱	-۳	-۲	۱.۶	مهاجرت انواع آبی	
-۲۸۴	-۱۰۰.۸	-۷	-۳	-۲	-۶	۵.۶	بروز امراض استوایی	صحت
	-۴۳.۲	-۷	-۲	۱	-۴	۳.۶	امراض ناشی از حوادث	
	-۱۴۰	-۸	-۶	-۶	-۵	۵.۶	دسترسی به آب پاک	
-۴۶.۵	-۱۲.۹	-۱	-	-۱	-۱	۴.۳	تولید ابتدایی انرژی	انرژی
	-۲۱.۶	-۲	-۱	-۱	-۲	۳.۶	تولید برق حرارتی	
	-۱۲	-۳	۱	۱-	-۱	۳.۰	تقاضای انرژی داخلی	
							زباله مایع	زباله
	-۳.۹	۱	-۱	۱	-۲	۳.۹	زباله جامد	

بنابر آن دولت جمهوری اسلامی افغانستان از کشورهای پیشرفته عضو و میکانیزم مالی و موجوده تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF) در جهت تطبیق این اقدامات سازگاری خواهان کمک های مالی و فنی می باشد.

مفصل ۵۱ پروژه با نمره دهی ابتدایی در جدول زیر ارائه گردیده اند. نه تنها پروژه های اولویت بندی شده بلکه همه پروژه های شناسایی شده در (NAPA) در جهت سازگاری با اثرات سوء تغییر اقلیم برای افغانستان بسیار مهم می باشد.

لگانه مطلوب در شبکه بندی



۱	نام پروژه	خلاصه مفهوم پروژه
۲	تنظیم بهتر آب و استفاده مؤثر	تنظیم بهتر آب و مؤثریت استفاده از طریق متعارف نمودن آبیاری قطره‌ای و آبیاری پ؛ ساختارهای فیزیکی بهتر و آگاهی عامه بهتر
۳	تنظیم زمین و آب در سطح آبخیزه	تنظیم زمین و آب به سطح آبریزه، تنظیم جنگلات با مشارکت مردم محل و پروژه‌های احیاء جنگل به نحوی که زمین و منابع آب و تولید چوب را تحفظ نماید تحقق احیاء جنگل در ساحات آبیگر و ثبات نشیب‌های غیر قابل استفاده؛ تکنیک‌های تحفظ خاک
۴	انکشاف باغداری	ایجاد باغداری از طریق استفاده از متنوعات بهبود یافته ایجاد قوربه‌ها و تحفظ نباتات.
۵	تراس بندی بهتر زراعت جنگلداری و سیستم روستایی Agro-silvo	تراس بندی جنگلات مصنوعی و Agro-silvo Pastoral System؛ که فرسایش خاک و جریان تند آب باران در شیب‌های عمیق و تحفظ زمین منابع آب و تولید چوب تکنیک‌های تحفظ خاک را کاهش می‌دهد.
۶	تحقیق زراعتی	تحقیق در مورد تخم‌های مقاوم خشکسالی انواع مختلف نباتات و مواشی و تحفظ نباتات بشول ایجاد فارم‌های زراعت
۷	تنظیم چراگاه	تنظیم چراگاه بشمول ایجاد و تطبیق یک سیستم علفچری نوبتی و تولید علفه بهتر در کنار مسیرهای علفچری ( علف‌های مختلط، لگوم
۸	ایجاد ستراتیژی تنظیم حوادث	پلان گذاری ستراتیژی تنظیم حوادث برای تأمین غذا و تدارک اضطراری برای جوامع آسیب پذیر.
۹	تأمین بهتر غذا	اقدامات بهتر تأمین غذا از طریق گوناگون؛ تقویت صنایع به سطح خانواده؛ بشمول فارم‌های مرغداری؛ زنبور عسل و پیلیه ابریشم و ایجاد مارکیت برای تولیدات زراعتی

(۸۰/ص ۱)

#### اقدامات سازگاری دارای اولویت در افغانستان

به منظور اولویت دهی اقدامات سازگاری در بیشتر سکتورهای آسیب پذیر، در قدم اول از چهار معیار عمومی ذیل استفاده شد. سطح یا میزان اثرات سوء تغییر اقلیم فقر زدایی از طریق افزایش ظرفیت سازگاری تشریک مساعی با سایر موافقات چندین جانبه محیط زیستی، و تمر بخش بودن. با استفاده از این چهار معیار، گروه کاری از نمایندگی ادارات ذیربط، باترکیز رسیدگی به خطرات تغییر اقلیم ناشی از خشکسالی و سرازیر شدن سیلاب‌ها در افغانستان، توانست که ۵۱ فعالیت احتمالی را به (NAPA) مانند تلفات جانی، صحت انسانی، تأمین غذا و زراعت، موجودیت کیفیت و دسترسی به آب، تأثیر بالای گروه‌های آسیب پذیر، زیربنای اساسی، هزینه پروژه، تنوع بیولوژیکی، و تنظیم زمین و جنگلداری انتخاب گردیدند. گروه کاری متذکره، به اتفاق آراء اهمیت و ارزش هر یک از معیارها را برای اولویت دهی برنامه ملی عمل سازگاری تعیین و سپس جهت دسته بندی، مفصلاً ارزیابی نمود.

لگانه مطالب ۰۰۰



تغییر اقلیم به تأثیرگذاری بالای گسترش امراض ناشی از غذا، آب و حشرات در افغانستان ادامه خواهد داد. احتمالاً رابطه متقابل بین تغییر اقلیم و شیوع امراض، در کوتاه مدت الی میان مدت، افزایش خواهد یافت. (بطور مثال، برای تشکیل پرازیته ملاریا، درجه حرارت ۱۶ الی ۱۸ درجه سانتی گراد ضرور است. اما درجه حرارت باعث انکشاف سریع‌تر می‌شود). تغییر اقلیم توانایی افغانستان را در رسیدن به هدف کاهش شیوع مرض ملاریا و مرگ و میر، الی ۰.۵٪ تا ۸۰٪ در هرسال آینده، ضعیف خواهد ساخت (DFID۲۰۱۰). زنان و اطفال، عمدتاً بخاطر اینکه در کارهای عایداتی اشتغال ندارند، در مقابل صدمات تغییر اقلیم خیلی آسیب پذیر می‌باشند. بطورمثال، اطفال وسیعاً چرانندن رمه‌های کوچک و جمع آوری چوب سوخت، را بدوش دارند (NAPA).

#### سازگاری با اثرات تغییر اقلیم

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۷ برنامه ملی عمل سازگاری (NAPA) را از طریق یک پروسه مشاورت در سرتاسر کشور، تهیه نموده است. اهداف عمده (NAPA) عبارت انداز:

- شناسایی پروژه‌ها و فعالیت‌های دارای اولویت که می‌توانند در سازگاری با اثرات سوء تغییر اقلیم با جوامع کمک نمایند.
- تشریک مساعی با موافقتنامه‌های چندین جانبه محیط زیستی (NEAAs) موجود و فعالیت‌های انکشافی با ترکیز بر کاهش و سازگاری با اثرات سوء تغییر اقلیم.
- گنجاندن مسایل تغییر اقلیم در پروسه پلان گذاری ملی.

گروه کاری نمایندگان ادارات ذیربط که در پروسه NAPA تشکیل گردید. در قدم اول اقدامات احتمالی را شناسایی و سپس تکنیک‌های تحلیل معیارهای متعدد (NCA) را در جهت اولویت دهی اقدامات شناسایی شده، بکار برد، مجموع ۵۱ اقدامات سازگاری احتمالی مختلف نخست شناسایی و سپس در هفت موضوع وسیع دسته بندی گردید که شامل صحت انسانی، منابع آب و انرژی قابل تجدید، زراعت و تأمین غذا، پرورش حیوانات، چراگاه، جنگلات و تنوع بیولوژیکی، آمادگی در مقابل حوادث طبیعی و زیربناء و ظرفیت سازی می‌گردد.

کتاب صدیاقت حرّات رونمایی شد



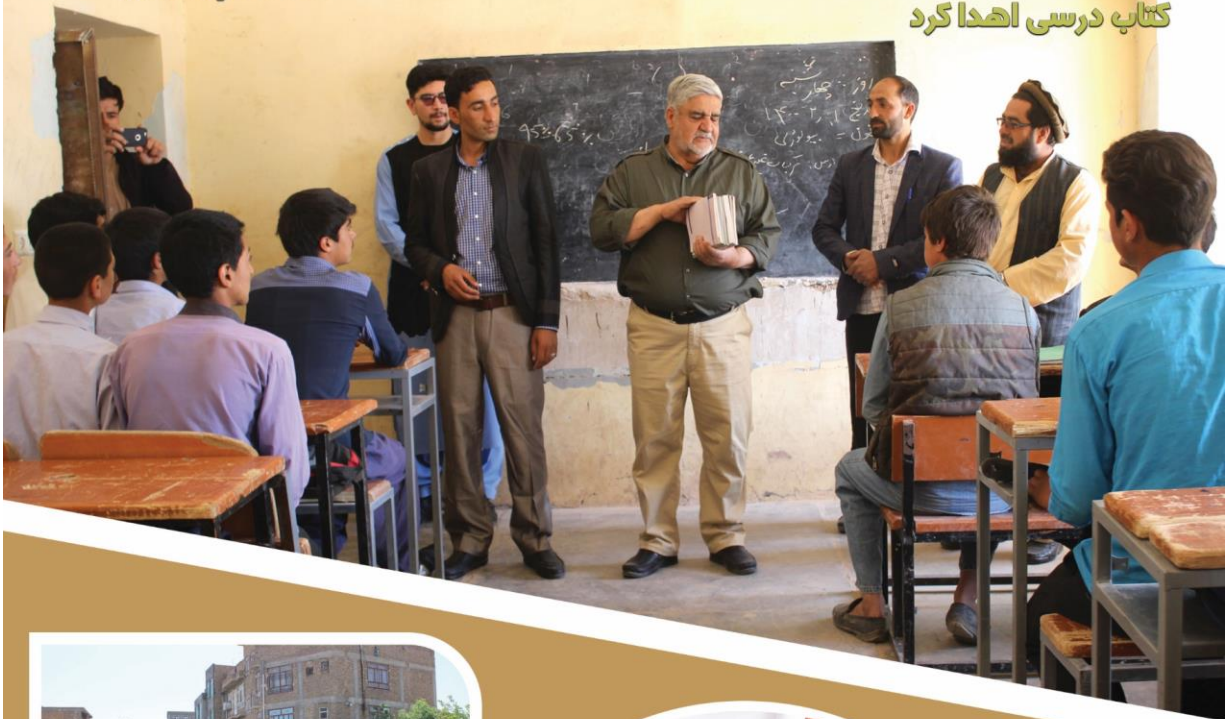
کارگاه آموزشی:  
نقش برنامه‌های فرهنگی  
در ترویج دموکراسی



# TAKHASOS

Monthly 152-153

شورای متخصصان هرات  
برای دو مکتب در ولسوالی زندهجان  
کتاب درسی اهدا کرد



کشیش نعلبند شگوه صنایع دستی  
"بهار بازار" در حرارت



سازمان  
بازار  
مختص صنایع دستی  
ولسوالی زندهجان